

۱۹ بهمن

دانشجویی

ویژه رستاخیزسیاهکل

هدایت جنبش دانشجویی در جهت پیوند با جنبش نوین انقلابی ایران از وظایف خطیر مارکسیست-لنینیست های انقلابی است

شماره ۶

سال ۱۳۰۵

بهمن ماه

اعلامه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران خطاب به دانشجویان دانشگاه های ایران مناسبت آغاز سال تحصیلی

اتحاد مبارزه دانشجویی



آغاز سال تحصیلی جدید یادآور آنست که باید بخش ادرامه مبارزات دانشجویی و گسترش آست شما تریک می گوئیم و امید داریم که سال تحصیلی جدید با همبستگی و اتحاد بیشتر شما سال پروری برای جنبش دانشجویی در رسیدن با اهداف خود و افشای ماهیت رژیم شاه دیکتاتور باشد.

همبستگی و اتحاد هرچه بیشتر مبارزات دانشجویی با جنبش مسلحانه خلق و بی تردید پیروزیهای بیشتری برای مبارزات نوین خلق ما در بر خواهد داشت.

رفقای مبارزان دانشجو! در سال جاری، سازمان ما که توانسته بوده به یک ثبات نسبی برسد، با پیروزی و سهم پلوس مواجه شد. رژیم که از مدتها قبل از رشد و گسترش جنبش مسلحانه و تلاش آن در جهت پیوند یافتن با خلق آگاه شده بود، با استفاده از تجارب ضد خلقی خود و امپریالیسم جهانی، در صدد سرکوب این جنبش برآمد و تمام امکانات و نیروهای خود را در جهت انهدام سازمانهای دانشجویی و شهرونی و زاند امری بهمن منظور در همین جهت تشکیل شده است. بدنبال این پیگیریهای مداوم و بر اثر اشتباهاتی که در ارتباطات تلفنی ما رخ داد، دشمن توانست به شبکه تلفنی سازمان ما دست یابد و هم با ردگیری عمده ای از رفقا، به محل تعدادی از پایگاههای ما برسد. او هراسان و وحشتزده از گسترش و ریشه دار شدن سازمان، حمله های برنامه ریزی شده ای را علیه ما آغاز کرد. دشمن قصد داشت با حمله به پایگاههای کشف شده، سازمان ما را با اصطلاح تلاشی کند، لکن بعد از محاصره و حمله به چند پایگاه، بدلیل هشجاری انقلابی سازمان، توسط رژیم کشف گردید و پایگاههای مشکوک تخلیه شد. بدین ترتیب بکار دیگر نقشه رژیم که خیال انهدام سازمان های پیشرو خلق را در سر می برد، پروانه نقد بر آب شد. دشمن برای محاصره هر پایگاه که در آن یا در نزدیکی فدائی زندگی انقلابی داشتند نیروی زیادی پیاپی کرده و شروع به حمله کرد. او در این هجوم وحشیانه و علاوه بر امکانات جنگی که در قتل بکار می برد، از بازوگا و هلی کوپتر نیز استفاده کرد و بقیه در صفحه ۶

مواضع استراتژیک

جنبش دانشجویی در مرحله کنونی آن

- ۱) مبارزه محبت سرکوب رژیم پهلوی - فلسفی پیوسته و قطع نفوذ کامل امپریالیستها سرکردگی امپریالیسم آمریکایی.
- ۲) دفاع و پشتیبانی همه جانبه و بدون قید و شرط از کلیه مبارزات و سازمانهای خلق بهرزه جنبش انقلابی مسلحانه.
- ۳) دفاع و پشتیبانی از مبارزات زحمتکشان، با تکیه بر مصالح انقلابی طبقه کارگر، جهت کسب حقوق دموکراتیک و سیاسی آنان.
- ۴) بکار انداختن کلیه امکانات مادی و معنوی (بصورت انتشاراتی و تبلیغاتی) جهت برآوردن درخواستها و پیاده کردن رهنمودهای پیشاهنگان جنبش انقلابی مسلحانه.
- ۵) تبلیغ حفظیت مبارزه مسلحانه و نقش محوری آن در تمام اشکال مبارزات خلقی.
- ۶) پشتیبانی از تسایر حقوق زن با مرد و رفع تبعیضات علیه اقلیتهای مذهبی.

جنبش انقلابی مسلحانه در مرحله بسیج توده ها

- ۷) دفاع از مبارزات آتش سوزی
- ۸) اتخاذ مواضع جهانی بر اساس سیاست خودانگاری و عدم وابستگی، جنبش سر انقلابی.
- ۹) پشتیبانی بدون قید و شرط از جنبشهای آزادیبخش جهان بهرزه در منطقه خاور میانه.
- ۱۰) همکاری با نیروهای ضد امپریالیست و ضد استعماری و دموکرات بر اساس منافع متقابل و مصالح انقلاب ایران.

آثار زیر توسط کمیته ایران در لندن بزبان انگلیسی ترجمه و از آدرس زیر قابل دریافت می باشد:

- ۱- آنته یک انقلابی باید بدانند: لوفیق علی اکبر صفائی فرزند
- ۲- اصلاحات ارضی و نتایج مستقیم آن. (س. ج. ف. خ. ۱۰)
- ۳- چگونه مبارزه مسلحانه توده ای میشود. (لوفیق بیژن جزینی)
- ۴- حمله طاقت. (لوفیق اشرف دهقانی)

Iran Committee (British Section)
c/o Gulf Committee, 6, Endsleigh
Street, London, W.C.1

۱۹ بهمن ۱۳۱۱ از بزرگترین روزهای تاریخی بهمن دهائی بخش خلق ایران است. در این روز خلق ایران شاهد رستاخیز سرکوبی بود که با حماسه گروه جنگ و جنبش انقلابی مسلحانه تولد یافت و مبارزات خلق ایران با یک نقطه عطف کیفی وارد مرحله نوینی می گردید.

در شامگاه ۱۹ بهمن پیشتازان کوهستان، گروه جنگ با تعرض به پاسگاه زاند امری در سیاهکل، رژیم شاهنشاهی و تریک امپریالیست شاه را بمصاف طلیعه و جزیره، ثبات و امنیت ۳۰ را بلرز در آورد.

گروه جنگ، در جوخه های سیاسی حاکم بر جامعه ما، جوی که امکان هرگونه مبارزه مؤثر را از توده ها و گروههای سیاسی گرفته بود. برای شکستن این جوانیوه ترس و خفت و نبرد انقلابی خود را آغاز نمود.

هدف گروه بطور خالص و ساده ایجاد برخورد های مسلحانه ضربه زدن بدشمن بهمنظور درهم شکستن اتساع خلقان در محیط سیاسی ایران و نشان دادن تنها راه مبارزه یعنی، مبارزه مسلحانه حله مسلحانه بود.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بازوی مسلح و نماینده انقلابی کارگران و زحمتکشان ایران است

- (۲) - رفیق جلیل انفرادی (تیرباران)
- (۳) - رفیق عونتک نیروی (تیرباران)
- (۴) - رفیق احمد فرهودی (تیرباران)
- (۵) - رفیق عباس دانش بهزادی (تیرباران)
- (۶) - رفیق محمد قسجی (تیرباران)
- (۷) - رفیق های بنده خدا نکروبی (تیرباران)
- (۸) - رفیق مهدی اسحاقی (شهادت در نبرد)
- (۹) - رفیق رحیم مسماعی (شهادت در نبرد)

نامهای رفقای شهید دسته شهر گروه جنگل

- (۱۰) - رفیق عباسی فاضلی (تیرباران)
 - (۱۱) - رفیق شعاع الله منبیدی (تیرباران)
 - (۱۲) - رفیق اسمعیل معینی عراقی (تیرباران)
 - (۱۳) - رفیق سید دلیل صفائی (تیرباران)
 - (۱۴) - رفیق اسکندر صادقی نژاد (تیرباران)
 - (۱۵) - رفیق غفر حسینی (شهادت زیر شکنجه)
- از دسته شهری گروه جنگل که در فروردین ماه با گروه احمد زاده اقدام شد و سازمان جریکهای فدائی خلق ایران را تشکیل داد
- ه نفر باقی ماندند. این رفا عبارت بودند از:

- (۱) - رفیق حمید اشرف
- (۲) - رفیق اسکندر صادقی نژاد
- (۳) - رفیق محمد صفاری آشتیانی
- (۴) - رفیق منوچهر بهائی پیر
- (۵) - رفیق رحمت پیرو نذیری

" این عده در تاریخ ۱۸ فروردین . . . با اقدام اعدای رقتای خود رئیس ادوسی ارتش رژیم را در یک محکمه انقلابی محاکمه و او بمرگ محکوم کردند ، و حکم اعدام را در سرکار همان روز در مورد او با اجرا در آوردند . " (**)

ایمان انقلابی ، آگاهی راستین انقلابی و نمونه برجسته کمونیستهای انقلابی ایدیه مبارزه مسلحانه را که گروه جزئی - طریقی از زوری ارزیابی دیالکتیکی و ماتریالیستی خود ، به مثابه عالیترین شکل مبارزه و تنها راه رهائی خلق ایران درک کرده بود ، طی حمله ای بی نظیر از اندیشه به عمل تبدیل کردند .

رفقای جنگ طی حمله رستاخیز سیاهک گل جان جرقه ای را بوجود آوردند که به حریف تبدیل شد . حریفی که جنبش انقلابی مسلحانه خلق ایران نامیده می شود . جنبشی که در تکامل خود قادر است ارتجاع و امپریالیسم را بزانو در آورد و حاکمیت غارتگر و جنایتکار آنان را در ایران ، یعنی رژیم فاشیستی و نوکر امیر - یالیست شاه را نابود سازد .

صدقات کمونیستی ، دیدزرف انقلابی و وفاداری راستین رفا به طبقه کارگر ایران ، آنان را به ستارگان راهنا و سمسب انقلاب و پایداری ، ایمان انقلابی ، جسارت انقلابی و فداکاری تمام عیار تبدیل نمود که در تمام پروسه مبارزه طبقاتی جامعه ما الهام بخشی همه عناصر صادق انقلابی و پیوندگان راه رهائی خلق و زحمتکشان و طبقه کارگر ایران می باشند .

عظمت این عطف انقلابی مبارزات خلق ما چنان بود که رژیم قدر شاه برای مقابله با یک دسته ۸ نفری فدائیان کوهستان چنان نیروی بسیج کرد که در تمام گذشته با این ابعاد بسی سابقه است . رژیم که دشمن واقعی خود را خوب می شناخت و از ظهور وحشت داشت اکنون با آن روبرو بود و با تمام قوا می کشید که جنبش نوین انقلابی را در نقطه خفه سازد . دشمن نیروی وسیعی را در شمال بسیج کرد . هزاران نفر را به منطقه گسیل داشت . " سپهد اوبشی فرمانده وادارمیری کل شخصاً در سیاهک ستاد عملیات تشکیل داده و عملیات را رهبری می کرد . غلامرضا برادر شاه هم برای بازسی و سرکنش به سیاهک اعزام شده بود . افراد هفت وادارمیری کیلان تمام خطوط موب اعلائی منطقه را ندیده کنترل میکردند و منطقه را بمحاصر در آورده بودند و یک گردان ارتشی از یادگان منجیل بسست منطقه بحرکت در آمده بود . " (***)

اما تمام این اقدامات رژیم بی نتیجه بود ، زیرا شروع مبارزه مسلحانه به مثابه یک ضرورت تاریخی در جامعه ما اجتناب ناپذیر بود ، و بی بایست توسط گروهی پیش تاز تدارک دیده می شد و

در عمل پیاده می گردید . و این عمل با رستاخیز سیاهک انجام یافته بود . تلاش مذبحخانه رژیم بی نتیجه ماند . جرقه انقلابی در کوههای جنگلی سیاهک تبدیل بحریق شد . در اینجا جنبش انقلابی مسلحانه خلق آغاز شد و از این تاریخ است که روز بروز این جنبش انقلابی در ابعاد کمی و کیفی رشد می کند و تناسب بین قدرت خلق و رژیم را بنفع خلق تغییر می دهد .

با رستاخیز سیاهک جنبش انقلابی مسلحانه شروع شد و در ضمن تداوم مبارزه مسلحانه ، سازمان جریکهای فدائی خلق ایران بوجود آمد و در ادامه مبارزه مسلحانه جو اخفای سیاسی شکسته شد .

ایجاد سازمان جریکهای فدائی خلق ایران

تا اعدام انقلابی فرسیدی خاخن ، با اینکه در کوه جنگل و احمد زاده رابطه خود را با هم ادا نه می دادند و هم آرزوهای بی آنان وجود داشت که از جمله اعزام یک نفر از گروه احمد زاده سیاهک می باشد . لکن هنوز این دو گروه انقلابی از برنامه ها و اقدامات یکدیگر بطور دقیق اطلاع نداشتند . در حالیکه رشته شهرور از گروه جنگل ، که در واقع نیز بقایای گروه نیز بود ، اقدام فرسوی را تدارک می دید . گروه احمد زاده به کلاتری قلب در نزدیکی خانه فرسوی (محل اعدام این خائن جنایتکار) حمله نمود سلسل شبان کلاتری را مصادره کرد ، بدون آنکه از طرح رقتاز جنگل بقصد اعدام فرسوی خاخن اطلاع داشته باشد . " سراز این اقدام عملی بود که دو گروه "املا" بهم نزدیک شده و سرانجام در هم ادغام شد و سپس با صدور سیزده اعلامیه در باره سیاهک و دیگر مسائل مبارزه مسلحانه ، جریکهای فدائی خلق بصورت رسد .

(**) این وحدت انقلابی نمونه برجسته وحدت کوههای پیشرو انقلابی است با اتکا بر تئوری مارکسیسم - لنینیسم انقلابی و عمل انقلابی مسلحانه و بنابرین است برای هر جریان واقعیتی انقلابی که مشتاق وحدت با گروههای انقلابی دیگر می باشد . شکست تاکتیکی ، اما پیروزی استراتژیکی گروه جنگل

سراز آغاز جنبش انقلابی مسلحانه در ۱۱ بهمن ۱۳۵۰ بنا کتون نتایج سیاسی - اجتماعی آن بارها از جانب جریانهای انقلابی درون جنبش ، اپورتونیستها و حتی محققین ارتجاعی رژیم و امپریالیستها ، مورد بررسی قرار گرفته است .

رژیم سعی کرد با بزرگ کردن شکست تاکتیکی سیاهک اعمیت استراتژیکی آن ، و شروع جنبش انقلابی مسلحانه را در تبلیغات خود علیه خلق نفی کند . رژیم با نفی استراتژیکی رستاخیز سیاهک ، باین نتیجه می رسید که راه تهر امیز مبارزه هم در ایران تا معن است . در حالیکه با شنا بزرگی ، خود را فاتح و مطلق العنان جلوه می داد ، لکن ادامه مبارزه رقتا برجم خونین سیا هک را برافراشته نگذاشت ، اعدام فرسوی و انفجار اتعیده علیه یست های حساس رژیم ادامه مبارزه ای راه که در سیاهک شروع شده بود ، دوباره در سراسر جامعه و در انتظار روشن بین خلق بدرخشش در آورد . رژیم شکست استراتژیکی خود ، ایشکار عمل را در مبارزه اثر علیه جنبش انقلابی مسلحانه از دست داد حتی در عرصه تبلیغات نیز رسوا گردید . خلق بدرستی درک کرد که رژیم قدر شاه ، نه قدرت مبارزه با جریکها را دارد و نه جرات بیان حقایق را .

اپورتونیستهای بی عمل در خارج از کشور کوشیدند تا در لطفه تئوریک با برجستههایی از قبیل ماجراجویی خرده بورژواشی : مبارزه غیر کارگری ، مبارزه بدون اتکا به توده ها . . . جنبش انقلابی مسلحانه را مورد حمله قرار دهند . آنها با طرح نظریه کار آرام توده ای ، مبارزه مسلحانه در شرایط جامعه ما را خونریزی بیهوده و اقدامات عجولانه روشنگران جدا از توده قلمداد می نمودند . آنها می دانستند که جنبش انقلابی مسلحانه ، طومار تلاطمهای بی حاصل آنان را نیز بیاد داده است . اپورتونیستها بعثت منافع محدود و دید کوتاه بین خرده بورژواشی خود توانایی انجام چنین مبارزه ضروری را ندارند و ترجیح می دهند عمل را به آینده ای موعوم موکل سازند . ایان بجای درک صحیح از جنبشی که جلوی چشمانشان در حال غریزند و بالیدن بود داشته باشند ، بغرور لند مشغول شدند . ضربه رژیم فاشیستی را بتر پیشتازان جنبش رهائی بخش خلق نابود کننده جلوه دادند .

و این تصور ناظر را جایانداننده کویا عنوز شرایط برای مبارزه مسلحانه " مبارزه نهائی " فراهم شده است . ادامه ما رزه گروه جنگل و تثبیت جنبش انقلابی مسلحانه ، این اپورتونیستها را نیز رسوا نمود . و برای همیشه بین راه آنان و راه پیشگامان خلق موز بندی کرد .

در سطح انقلابیون راستین خلق

رستاخیز سیاهک راه مبارزه رهائی بخش را نشان داده و آترو در عمل پیاده کرد . نقش استراتژیکی جنبش انقلابی مسلحانه چنان تاثیر عمیقی بر روی سازمانها ، گروهها و عناصر انقلابی داشت . نتیجه این تاثیر ، تحدید سازمان این جریانها و آماده شدن برای عمل مسلحانه بود . سازمان معاهدین خلق و " گروه آریان خلق " اولین جریانهای بودند که سرشان پیش آمدنش خلق پیوسته و دامنه مبارزه پیش رفت سلع خلق را گسترند .

دارند . حذب نیروهای وسیع انقلابی مبارزه مسلحانه ، حقانیت این مبارزه را در سطح جامعه تثبیت گردانید ، یعنی هر گروه جدیدی که از این سربلای مبارزه جدی بوجود آمد راه انقلابی مسلحانه را پیش گرفت . جنبش انقلابی مسلحانه به مثابه طز نوینی از مبارزات خلق ، جنبش رهائی بخش را از سایر راهز و راهز محلی و تداومی بیرون آورد ، مبارزه تا - و روریاری را رژیم کثبانده و حالت تعریبی مبارزات پیش آمده است . این جنبش با اعمال تهر انقلابی نثرات خود را با خلق در میان گذاشت و سعلت درستی اش اعتماد تمام انقلابیون را به خود جلب کرد . نشئت تاکتیکی سیاهک برای مبارزین راستین درس بزرگی بود تا بدیوان طولانی تدارک خاتمه دهند و وارد عمل شوند و مسائلی را که تنها در عمل حل شدنی است از جمله ، انقلاب ویژه جامعه ما ، با شرکت در عمل حل کنند در خارج آن که ممکن نیست ، تا فاکتور منفی زمان و نقش منفی آنها در هنگام تدارک در نظر بگیرند . برای ایفای نقش موثر از حالت انفعال و تداومی بحالت فعال و تعرضی ارتقا دهند

شکست تاکتیکی گروه جنگل

گروه جنگل بعثت تاکتیکی شکست خورد ، شکستی که کاملاً اجتناب پذیر بود و می توانست با بکار گرفتن همان توانین جنگ جریکی ضربه های بوق آسا بدشمن وارد سازد . برای پرهیز از زگیری موضعی با قوی نابرابر دشمن ، دور شدن از محنه عملیات نا - مسند و وارد کردن ضربه در نقاط غافلگیر شده دشمن و تداوم این تاکتیک با بکار گرفتن سه اصل جریکی " عدم اطمینان مطلق ، تحرک مطلق و هویشاری مطلق " می توانست ادامه یابد . مناسبان بسلت عدم رعایت کافی این اصول جنگهای جریکی ، اصولی که خود در تئوری بدان واقف بودند و حتی بعضی از رقتا تجربه جنگ جریکی در منطقه فلسطین بودند . این نقاط ضعف رقتا بود که دشمن برای ضربه زدن بان استفاده کرد . این شکست تاکتیکی امکاناتی زیادی را از دست کوه گرفت و جنبش مسلحانه برای مدتی از داشتن چنین تجربه ای محروم ماند .

اثرات اجتماعی و تاریخ ساز رستاخیز سیاهک

جنبش انقلابی مسلحانه با انتقاد سلاح ، تمام انتقادات گذشته انقلابیون ، اپورتونیستها تسلیم طلب و بی عمل را معیار عملی داد . ضرورت مبارزه مسلحانه را امکان تدارک آن را ، امکان بروز آنها در جامعه ، قدرت درگیری آنها با امپریالیسم قوی تر از خود یعنی با رژیم فاشیستی گریز حمایت امپریالیسم جهانی می باشد نشان داد . وجود ظرفیت انقلابی در عناصر و گروههای انقلابی را آشکار ساخت . امکان بهره گیری از نیروی انقلابیون و قابل اعتماد بودن آنان را اثبات کرد . وفاداری پیشاهنگان طبقه کارگر را با هر خلق و بکمونیسم معلوم کرد . و ضرورت وارد عمل گسردیدن را اثبات کرد و نقاط ضعف دشمن ، حساسیت و وحشت آنها از مبارزه مسلحانه عمیدا نمود . مرز بندی دقیق با اپورتونیسم تسلیم طلب و بی عمل کرد و ترس و تردید و بی قیدی روشنگران خرده بورژواشی را برمسلا ساخت . انحراطات اپورتونیستها را که بقدرت جهانی و خارجی برای تحولات جامعه ایران انتقاد داشته و وابسته هستند اثنا کرد . انحرافی را که که برای تغییر شرایط جامعه ، بجای توسل جستن به نیروی توده ، و تاثیر خود بر روی آنان و بالاخره تسریع بقیه در صفحه ۴

سرنگون باد رژیم موناگر فاشیستی شاه نوکر امپریالیسم جهانی

رشد مبارزه خلق، با تفکیر، مقتدرتهای مایه توده ها، عوامل مسلح سیاسی، نه صرفاً انتظار و در آخر به تخریب خود خودی شرایط شده دارد.

رستاخیز سهاگک محدود بودی دامنه فعالیت اپوزیونیستها. در حیطه امکانات اهدائی قدرتهای حاکم را اثناء ارد که در حینموجن جان شیوه، محتوای مبارزاتی و شعارهایی هستند که براد سرپوش، خودشان بی حضور مطمئن باشد، اگر چه محتوای مبارزه تا بی شری مزید اند.

رستاخیز سهاگک برای برپا شدن صحیح به تمام این مقولات احتمالی، برای اولین بار معیار واقعی، عقلی و انقلابی دست داد. و در وقت مشت و مٹی را در مقولات مبارزاتی خلق ایران برجسته نمود و بر این موال جایگاه والای پیشاهنگان راستین خلق را در بین خلق خود تثبیت کرد.

رستاخیز سهاگک نشان داد که پیشرو واقعی از طریق مبارزه مسلحانه بوجود می آید. و روشنگران انقلابی و عناصر آگاه طبقه کارگر با آنگاه که این مبارزه قادرند به پیشرو واقعی تبدیل شده تعداد از دست رفته خلق نسبت به پیشاهنگ را دوباره بدان بازگردانند.

سرگرمی همه آن رستاخیز نبود که این بار کمونیستها در راس جنبش انقلابی قرار داشتند. محدود منکر و موجد آن بودند و این می توانست - همانطور که نیز صورت گرفت - بر حرکت استراتژی-تکی مبارزه رهائی بجز بخش تعیین کننده نگذارد و پیشاهنگ انقلابی طبقه کارگر را برچند از جنبش رهائی بخش خلق ما گرداند.

رستاخیز سهاگک برای اولین بار با روزیوسیم حزب توده و با اپوزیونیستهای رنکارک و با جبهه ملی و با تمام مته های مٹی مبارزه آن ها که بارها جنبش را به شکست کشانده بود، با شیوه توموری خوبی های دائمی، و فعالیت در چهار جوب علی و در محدوده امکانات قانونی، و بطور اساسی و قاطع مزیدی کرد.

و مبارزه مسلحانه را محور تمام اشکال مبارزات خلق قرار داد و عمارت دیگر این رستاخیز سهاگک شکستی بود عظیم بر سازماندهای مٹی حزب توده و جبهه ملی و بر درک آنان از مبارزه بروحیه صمیم رهبریشان در مبارزه با رژیم و بالاخره شکست استراتژیکی این جویانهای مٹی را تثبیت نمود. و بعلت تمام این دستاوردها، رستاخیز سهاگک را بحق می توان و بایست نقطه عطفی در مبارزات خلق ما دانست که مرحله پیروز شده و نیتی را در مبارزه خلق ما آغاز کرد.

بقی بیرون حزبی از پیشگامان جنبش نوین انقلابی نقطه سنت مبارزات خلق را در رستاخیز سهاگک جمعندی کرده و می نویسد:

"بدن سال شکستهای تاریخی جنبش کارگری و جنبش رهائی بخش و بدن سال تسلیم ظلمی رهبران اپوزیونیست و بدن سال مبارزه مٹی که نتوانسته بود دشمن را بطور جدی مبارزه - سرا خواند، سهاگک نقطه عطفی بود در پایان عقب نشینی جنبش و آغاز زیپشوری آن. رژیم که نقطه عدت کژهای قبل از سهاگک - سرست از پیروزی بر مخالفان خود صاحبی های تلویزیونی ترتیب می داد و شاهکارهای خود را از قبیل کشتن بختیار در عراق و ساختن شبکه پلیسی" تشکیلات تهران" و نقض حائثانه عباس شهرداری (اسلامی) در این جریانها و مبدان دادن به نادمی از راه برگشته و برج خلق می کشید و روزنه های امید مردم را زیر ضربات بدبینی، خیانت و شکست گرفته، و خود را شکست ناپذیرتر از همیشه نشان می داد، درست هنگامیکه انتشار ندانست، با بیرون جنبش مسلحانه روبروشت و با عتس العظمیای شتابزده خود اعلام کرد که جنبش مسلحانه حریف اصلی مردم میدان مبارزه با اوست. (باید دلیل است که سهاگک نایسته نام رستاخیز است. (***))

در همان هنگام که رژیم موفقتهای مبارزه مسلحانه را واروگون در انتظار خلق جلوه می داد، خود را مجبور می دید که تاخیر سهاگک را بر روی مردم زایل کند. در همان هنگام که مسئله را فیصله شده معرفی می کرد، خلق سلاح کلاتری طبقه و اعدام انقلابی فرسیوه و مصادره باستان آیزنهاور و دهها عین نظامی دیگر

توسط جریکها، و دروغ بود. ادعای آنها در اعدام جنبش انقلابی مسلحانه بر ملا نمود.

رژیم وحشت زده بر دروغ دیوار تمام شهرها و روستاهای ایران عکس و عفر از رفتاری فدائی، اعضای سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران را نصب کرد. از هر چه باطنه اسناد حواست که باین اصطلاح "قدرت مطلق" در دستگیری فدائیان انقلابی خلق کک کشند. این امر خود بیانگر است سیاست بزرگ دیگر رژیم مغرور، خائن و خانی بود. شاه و سید که رستاخیز سهاگک آن نوازی را معرضه مبارزات سفتی و ملی خلق مسا وارد ساخته است که گویند، رژیم نوکر امپریالیست اوبی باشد او تا نوازی خود را برای جلوگیری از ظهور این جنبش انقلابی مسلحانه که در نفع انقلاب رهائی بخش ایران می باشد منظور عینی لمس کرد.

با رستاخیز سهاگک راه انقلاب، شیوه محور مبارزه مسلحانه سازمان انقلابی مسلح پیشاهنگ خلق و پیشاهنگی کمونیستها در انقلاب ششدر گردید. جوخفان سیاسی در جامعه تغییر سید و جنبش انقلابی مسلحانه و مبارزه انقلابی مسلحانه را در مقابل عتس حقایق سیاسی رژیم قرار داد. اگر تا قبل از رستاخیز سهاگک تنها این رژیم بود که با قدرت عتس خود و جامعه را در جنگل احتیاطی فاشیستی خود قرار داده بود و هر آینه سمن - های سیاسی موجود نمی خواستند با تدارک مبارزه مسلحانه، از نفع مسلح و کیفیت بیابند و از خوردن کاری و حملات شاجوانی و آمد و شد های حسنه کننده و یکدوخت و بی برنامه رهائیسی یابنده ناچار بود به توموری خوبی دائمی و یکدانه که در بین حال شوره، انبوه حفت و ترس آنان بود، تن بدهند. اما اکنون جنبش انقلابی مسلحانه و در حکم بازوی انقلابی مسلح خلق ظاهر شده بود و بخش خود را برای نشان دادن راه درست مبارزه و بیرون کشیدن این معطلها از انحراف طولانی نشان داده بود.

رستاخیز سهاگک آغاز جنبش انقلابی خلق ایران و ادامه آن با بایداری مبارزه مسلحانه توسط سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سازمان معاهدین خلق ایران و دشمنان گروه انقلابی دیگر، این جنبش در سطح جامعه ما تثبیت گردید.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با جمع بندی عتسیات مسلحانه گروه جنگ و در سهاگک، در رسپای زیر از آن اتحاد نمود و راههای انقلابی را استین قرار میدهد.

۱- از تحارب دسته کوهستانی می توان نتایج زیر را گرفت: ۱- گروههای کوچک می توانند مبارزه مسلحانه را تدارک و آغاز کنند. ۲- عامل زمان قوت از شروع عملیات حساب شده نظامی و یک عامل مٹی است و لازم است در یک لحظه مناسب عمل آغاز شود. ۳- در آغاز گروه باید بخود متکی باشد و با آنگاه خودش عمل را شروع کند.

۴- سازماندهی شهری باید بر تمام قوتند من بی ریزی شود و حتی کادر های اساسی باید حرفه ای و مٹی باشند، هر چه کادر حرفه ای بیشتر، بهتر. ۵- عناصری که شناسائی و اطلاعاتشان زیاد است، نقاط خطر محسوب می شوند و حتی باید از دسترس پلیس خارج شوند. ۶- باید از هر وسیله ای برای وصول به هدف سود حمت و از رمانتسیم انقلابی بهرهیز کرد. ۷- در عملیات چریکی باید روی عتس العمل نظامی تمرکز یافته دشمن حساب کرد و با رعایت اصل (تحرك مطلق) اقدامات دشمن را بی اثر گذاشت.

۸- سه اصل طلایی چریکی، تحرك مطلق، عدم اطمینان مطلق و هوشاری مطلق را باید همیشه و همه جا رعایت کرد (بو) تکامل جنبش انقلابی مسلحانه

اکنون شش سال از ۱۹ سپس میگذرد و جنبش انقلابی هفتمین سالگرد آغاز جنبش انقلابی مسلحانه را جشن میگیرد. دو سازمان پیشاهنگ انقلابی خلق - سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سازمان معاهدین خلق ایران - در صف اول مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم و رژیم یاسد از منافع آنان قرار گرفته اند. گروه ها

و عناصر زیادی به مبارزه مسلحانه جذب شده و باین دو سازمان انقلابی جذب گردیده اند. مبارزه مسلحانه در سطح جامعه مدنی است که تثبیت گردیده است. با اینکه جنبش انقلابی صدها نفر شهید و هزاران نفر اسیر داده است، با این ترتیب نیروی عظیمی که خلق نظیر دایمی در اختیار این سازمان های انقلابی می گذارد و چنان توانایی به آنها داده است که از گروه های کوچک آغازین به سازمانهای نیرومند گونی تبدیل شوند رژیم راستامل نماینده از یکطرف ابعاد جنایت ها و خونریزیهای رژیم شاه در این سالها چهره سفاک و خائن آفرینش از پیش در انتظار خلق و جهانیان هودا کرده است و از طرف دیگر رژیم بیوفت این سازمانها: بسی شاشیر بودی عملیات سرکوب فاشیستی آنها نشان میدهد. ادامه مبارزه در همین دوران کژانه نغفظ نصور و مطلق ر - ضعف مطلق، خلق و قدرت مطلق"

رژیم - در افکار عمومی تغییر داده است، بلکه توانایی عظیم خلق را در بایداری و نبرد فرزندان خلف انقلابین علیه دشمن آشکار کرده است. در همین مدت کژانه که در مقایسه مبارزات طولانی خلق در گذشته ناچیز است و چنان اعتمادی نسبت به سازمانهای پیشاهنگ در افکار توده بوجود آمده است که تاکنون بی نظیر بوده است.

جنبش انقلابی مسلحانه، اکنون بعنوان یک جریان قاطع انقلابی در ایران تثبیت گردیده است و با دستاوردهای نوین، با اهداف مرحله اول استراتژیک جنبش نائل گردیده است. جنبش انقلابی مرحله نوبتی را از هدفهای استراتژیک خود میگذراند. برای شناسایی جنبش و سازمانهای پیشاهنگ آن، لازم است بر روی این دستاوردها تکیه کنیم و نتایج لازم را جهت پشتیبانی از مبارزات این سازمانهای پیشاهنگ اخذ کنیم. بدو لازم است بدانیم که جنبش انقلابی مسلحانه چه هدفهای استراتژیکی را از همان آغاز مبارزه در برابر خود قرار داده بود.

چریک فدایی خلق بیرون جزئی در تحلیل دیالکتیکی خود از قاتل نوزندبهای مبارزه مسلحانه و سازماندهی پیشاهنگ در جامعه ما مراحل استراتژیک جنبش انقلابی مسلحانه را به سه مرحله بدین سان تقسیم میکند:

۱- "استراتژی جنبش انقلابی ایران دارای سه مرحله است. مرحله اول، مرحله تثبیت مبارزه مسلحانه است. در مرحله دوم توده ها به مبارزه بر ضد دشمن خلق دست زده از جنبش حمایت مادی و معنوی میکنند. در مرحله سوم مبارزه توده ای میشود یعنی جنبش تبدیل بنبرد توده ای شده و با حاصلت دموکراتیک حاکمیت خلق را جاه عمل میپوشاند.

در مرحله اول دو هدف در مقابل جنبش قرار گرفته است: الف - ایجاد پیشاهنگ انقلابی طبقه کارگر و آماده کردن شرایط برای تأمین هر مونی طبقه کارگر در انقلاب. ب - شناساندن مبارزه مسلحانه بنوده ها و ایجاد جو سیاسی در جامعه که مقدمه به سطح توده ها است. رسیدن مردم به هدف عمده از طریق برپانیک انقلابی میسر است. (***))

اکنون ببینیم آیا جنبش انقلابی مسلحانه بهدفعای استراتژیک مرحله اول خود دست یافته است؟ نخست: آیا جنبش انقلابی مسلحانه توانسته است پیشاهنگ انقلابی طبقه کارگر را ایجاد کند. شرایط لازم را جهت تأمین هر مونی طبقه کارگر در انقلاب فراهم سازد؟

در جامعه ما اکنون دو سازمان سیاسی نظامی با آنگاه به آید تلویزی مارکسیسم لنینیزم وجود دارند که طی شش سال مبارزه انقلابی مسلحانه آید پدید شده اند. این دو سازمان در جهت پیوند با طبقه کارگر و زحمتمکان ایران کوشش مینمایند. یکی از این دو سازمان مان یعنی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از همان آغاز با آید تلویزی طبقه کارگر فعالیت انقلابی مسلحانه را شروع کرد و سازمان معاهدین خلق ایران که در ابتدا آرایش مدهی داشت ضمن مبارزه و در برتیک انقلابی ضرورت پیوند بیش از پیش طبقه کارگر و زحمتمکان و حرکت از صالح آنان را تجربه نمود. در خلال همین مبارزه انقلابی می بود که امتلاسی سیاسی - آید تلویزیکی یافت و اکنون گسردان جنبش کمونیستی و کارگری را تقویت نموده است. این امر بسیاری

بقیه در صفحه ۷

پیروز باد جنبش انقلابی مسلحانه در راه بسیج توده ها

ترتیب سطح سیاسی توده ها ارتقا میابد و مبارزه آگاهانه خود روی میآورد.

این دخالتات سیاسی نظامی در مبارزات خلق، از یکطرف دشمن را تضعیف مینماید و از ابتکار عمل آن میگذرد، از طرف دیگر توده زحمتکش، استثمار شده و مستکف خلق را به ادامه مبارزه تشویق میکند. با این طریق، در شرایط جامعه ما، رابطه پیشاهنگ با توده برقرار و تحکیم میگردد. در این حالت خلق سرزنده مبارزات خود را همگون با سرزند مبارزات جنبش سلحشانه پشروان خود میبندد، و بیکصد به آن کمک مادی بکند. اکنون دیگر همسایز بسیج توده بندای پیشاهنگ انقلابی خود پاسخ مثبت میدهد، و تحت رهبری آن بطور روز افزون مبارزه خود را توسعه مینماید و در راه پیشاهنگ انقلابی است که مبارزات توده ای میشود. در خلال چنین براتسک انقلابی است که عناصر پیشرو آگاه طبقه کارگر و زحمتکش و روشنفکران انقلابی سازمانهای پیشاهنگ طبقه کارگر جلب می شوند و صفوف آنها تقویت میگردد. از یکطرف مبارزه توده ها رشد میکند، از طرف دیگر امکانات سازمانهای پیشاهنگ وسیع میگردد. در این روال سازمان سیاسی - صنفی وارد فاز بعدی خود میگردد. حزب واحد طبقه کارگر بوجود میآید، ارزش خلق ایجاد شده، و توده ها در مبارزه سلحشانه نقش مهمتر میکنند. جنبش انقلابی سلحشانه وارد مرحله سوم تاریخ انقلاب میگردد و جنگ خلق شروع میشود.

جناح سیاسی جنبش انقلابی سلحشانه و کیفیت وظایف آن

با روشن شدن نقش محوری مبارزه سلحشانه نسبت به سایر اشکال مبارزه و تقویت رهبری سازمان سیاسی - نظامی پیشاهنگ طبقه کارگر بر کلیه سازماندهیهای خلقی، اکنون کمپ روی نقش جناح سیاسی سازماندهی دانشجویان در جنبش توجه مینماید.

همانگونه که در پیش بیان گردید، هیچ سازماندهی و بسیج مبارزه خلقی نمیتواند بی جهت و بی تریق، موثر بهیاد آورد و رشد یابد. باید در جامعه ما به بعد فزاینده خود نائل گردد مگر حول محیور مبارزه سلحشانه و در پیوند با سازماندهیهای سیاسی - نظامی پیشرو قرار داشته باشد. با این مشخصات و با این کیفیت امکان مبارزات سیاسی - صنفی در بین بخشهای مختلف خلق ممکن و مبارزه صنفی را جناح سیاسی در جنبش انقلابی سلحشانه سازمان میدهد. رفیق بیژن جزئی، جنریک فدایی، خلق در تحلیلی موقعیت این جناح سیاسی را توضیح میدهد:

« هرگاه این جریانها با جنبش سلحشانه رابطه اصولی داشته و نقش محوری مبارزه سلحشانه را بخوبی درک کنند و مبارزات خود را با مشی مشخص انقلابی سلحشانه منطبق سازند، جناح سیاسی جنبش انقلابی سلحشانه بشمار میروند. عده تریب وظایفی که در برابر این جناح سیاسی قرار دارد عبارتست از: الف - سازماندهی جنبشهای اعتراضی مردم که جنبه انحصاری صنفی دارد.

ب - هدایت این جنبشها در جهت سیاسی.

ج - شناساندن جنبش انقلابی سلحشانه برمردم.

د - افشاکاری از رژیم و آگاه ساختن مردم.

ه - تبلیغات در سطح جهان بسود جنبش انقلابی و بر ضد رژیم.

برای تحقق این وظایف با اشکال مختلفی از سازماندهی عناصر پیشرو، آگاه لازم داریم. عده تریب شکل در این میان تشکیل هسته ها و گروه های سیاسی - صنفی است. (****) بنابراین جناح سیاسی جنبش انقلابی سلحشانه در زمینه اهداف و وظایف سازماندهی شخص خود نیز با گروهها سازمانها ای ایوتونیستی که پی پیوند با جنبش انقلابی سلحشانه و الهام از رهنمودها و ویژگیها همزیمنه پیشاهنگان انقلابی و مسلح خلق و طبقه کارگر معتقد نمیشوند مرتزدهای دقیق مینماید. با درک موقعیت خود و وظایف حساس خویش در جهت بسیج توده ها مبارزه و دست پیشاهنگان انقلابی، بطور مسئول برخورد کرد و فعالیتها را خود را تنظیم میکند.

وظیفه دانشجویان در این مرحله از جنبش خلق

جنبش دانشجویی که جنبش سیاسی - صنفی است و بر اساس محتوای سیاسی مرحله جنبش انقلابی سلحشانه خود را تنظیم میکند دانشجویان در این مرحله بسیج توده ها، نقش حساستری می یابند و می باید مبارزات خود را پیش از پیش مبارزات کارگران و زحمتکش نزدیک کنند و با روشنگری بین زحمتکش بر ضد مبارزات آنان کمک نمایند. هنگامیکه اعتراضات کارگری بر پا می شود، دانشجویان بفق کارگران در مبارزه دخالت می کنند، از خواستهای آنان دفاع می کنند و با انجام تظاهرات بسود زحمتکش رژیم را افشای کنند. دانشجویان شرقی، با تماس وسیعتر و زنده کسی

با کارگران و زحمتکشان، فعالی می شوند در خدمت انتقال افکار انقلابی سازمانهای پیشرو بین کارگران. برای درک این کیفیت جدید مبارزه بجاست که برهنمود سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در این مرحله بسیج توده ها بدانشجویان توجه ننمایم. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ضمن پیام خود بدانشجویان در شروع سال تحصیلی جدید چنین وظایفی را در برابر آنان قرار می دهند:

رفقای دانشجویان!

در مرحله جدید عده تریب هدف مبارزات، شناساندن اهداف - جنبش سلحشانه خلق، تماس با توده و انجام عملیاتی است که جنبشهای توده ای را برانگیخته و توده را بسیج کند، تا بسا هدایت این جنبشها و حمایت و پشتیبانی سلحشانه از آنها - همچنین با بکار گرفتن تمام نیروهای مبارز خلق در این جهت بهبود مرحله ای خود تحقق بخشیم، بنا بر این مبارزات شما نیز هنگام با آن، قدم در آستانه مرحله جدیدی از مراحل تکاملی خود میگذارید.

باکشاندن اعتراضات و تظاهرات خود به محلات تجمع خلق بخصوص جلو کارخانه ها، با توضیح اهداف جنبش به خلق و افشای مآهیت رژیم شاه، به وظیفه انقلابی خود عمل کنید. دانش آموزان، نیروهای جوانتر و پشیمان آینده جنبش است، آگاه گردن و به حرکت در آیدن این نیروهای مستعد، بینشتر بعد به شما دانشجویان مبارز است. وظیفه شماست که دانش مبارزات خود را به دبیرستانها گشاید و با آگاهی دادن به محصلین، آنها را همراه خود سازید. (اعلامی خطاب به دانشجویان ایران آذرماه ۱۳۵۵)

محتوای سیاسی وظایف دانشجویان در خارج و در اسان همان محتوای وظایف دانشجویان مبارز داخل کشور می باشد. تنها در خارج جنبش دانشجویی دارای محدودیتها و امکانات خاص خود می باشد. در خارج امکان تماس مستقیم با کارگران و زحمتکش ایران موجود نیست ولی در عوض امکان تماس وسیع با افکار عمومی جهانی، امکانات انتشاراتی و تبلیغاتی برای تبلیغ و ترویج نظرات و اهداف جنبش انقلابی سلحشانه، جلب افکار عمومی برای افشای رژیم و حمایت از مبارزات کارگران و زحمتکش تهیه امکانات مادی برای کمک به پیشاهنگان مسلح خلق، وجود دارد. دانشجویان باید با توجه با امکانات خود و شرایط خارج از کشور، وسیعترین پشتیبانی را برای تمام مبارزات خلق بیوساز از جنبش سلحشانه انقلابی جلب نمایند.

باید برای تبلیغ و ترویج افکار انقلابی در بین روشنفکران خارج کوشش شود که دانشجویان مبارزات خود را بمنزله بخشی از کسل مبارزات خلق در رشد سیاسی و مبارزاتی جامعه علیه رژیم و امپریالیسم و هژمونی وابسته متمرکز دهند.

رفیق بیژن جزئی وظایف زیر را بطور مشخص برای دانشجویان ایرانی در خارج از کشور جهت خدمت خلق و جنبش انقلابی سلحشانه طرح میکند:

الف - شناساندن جنبش انقلابی و روشی آن به ایرانیان خارج از کشور و محافل جهانی، و این طبقه با تکیه بر منابع داخلی و فعالیتها و انتشارات جنبش انقلابی سلحشانه تحقق می یابد. ب - ایجاد یک جبهه نیرومند تبلیغاتی بر ضد رژیم در محافل بیت از مبارزات داخلی.

ج - تکمیل بیانیه ها، نشریات و متن انقلابی داخلی که بدست آنها میرسد و بازگرداندن این آثار بقیاس وسیع بداخل کشور. (****)

سازمان چریکهای فدایی خلق ضمن پیام خود بکندراسیون جهانی (گذر هجدهم) چنین رهنمودها و وظایف را در برابر کندراسیون قرار میدهد.

کندراسیون جهانی بعنوان بخشی از جنبش دانشجویی در خدمت جنبش ضد امپریالیستی با الهام از مبارزات درون کشور همواره پشتیبان این مبارزات بوده است. در شرایط امروز جهان ماکه مبارزه بعالمترین شکل خود توسط سازمانهای مسلح پیشرو در جریان است و تبلیغ سلحشانه نقش محوری تمام اشکال مبارزاتی خلق ما را ایفا میکند:

دفاع از مبارزات کارگران، دهقانان و سایر اقشار خلقی و نیز ضد دفاع طاعانه سیاسی از سازمانهای مسلح پهنماز باید محور اصلی فعالیتها کندراسیون بشمار آید و کندراسیون بایستد از کلیه امکانات مادی و معنوی خود برای این هدف استفاده نگاهداری کند. در جهت ارتقا سطح و آگاهی و شناخت دانشجویان مبارز خارج از کشور را به مسئولیت و وظایف مبارزاتی خویش بدنیاسال

خواهد داشت، وظیفه است که کندراسیون باید با بهره گیری از کلیه امکانات تبلیغی و ترویجی خود بان عمل نماید.

با توجه به مبارزات سرسخانه خلق عمان و خلق فلسطین که دلیرانه برای حفاظت از دستاوردهای مبارزاتی خویش پادامه مبارزه تلاش میکنند، کندراسیون جهانی باید بعنوان یکی از برنامه های ضروری خویش در جهت افشای نقشه های توطئه گرانه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع فعالیت نماید.

بارشد مراحل مبارزاتی وظایف تمام بخشهای خلق و از آن جمله وظایف جنبش دانشجویی خطیرتر و دقیقتر میگردد. امروز به پیش از هر زمان دیگری جنبش دانشجویی نیازمند الهام و پیروی از جنبش انقلابی پیشاهنگ مسلح خلق می باشد. این نیاز به پیروی برای جنبش دانشجویی خارج از کشور احساس میشود، زیرا دوری از جامعه، درگیری نبودن با مسائل حساس آن از نزدیکه خسود محیطی برای رشد گرایشهای انحرافی نسبت به مبارزات خلق بوجود میآورد. برای ضمانت درستی و رمزنگاری مبارزات خصوص جنبش دانشجویی خارج به پیوند این جنبش با جنبش انقلابی سلحشانه و الهام از سازمانهای پیشاهنگ خلق تکیه نماید. زیرا الهام از پیشاهنگان مسلح خلق و انجام مادیات نظامی ان وظایف بیکدیگر این پیشاهنگان راستین خلق از جنبش دانشجویی طلب میکند. میتوان این جنبش را از نغز انواع گرایشهای ایوتونیستی، که در داخل ایران و در صف خلق اساسا امکان ریشه گرفتن ندارند، مبری سازد. الهام و حرکت از مواضع سازمانهای انقلابی درون کشور، جنبش دانشجویی را از هرگونه انحراف و هدر دادن نیروی انقلابی جوانان و معلمه دست گروهها و سازمانهای ایوتونیستی قرار گرفتن در امان نگهدارد.

این حق سازمانهای درون کشور است که برک جنبش و نیز بر جنبش جوانان، دانشجویان و محصلین رهبری کنند. زیرا در جامعه ما این سازمانها تنها آن تشکیلاتهای انقلابی هستند که با خون خود در صف واداری خود را به خلق، طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ثابت کرده اند.

تنها این سازمانها ی پیشاهنگ خلق اند که شایستگی رهبری کل جنبش را دارند زیرا درایت سیاسی و آگاهی انقلابی خود را در عین ثابت کرده اند.

این سازمانهای پیشاهنگ دستاوردهای جنبش انقلابی سلحشانه خلق ما هستند که با رستاخیز سیاهک در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ آغاز گردید.

پیروزی باد جنبش انقلابی سلحشانه و دوسازمان پیشاهنگ مسلح و انقلابی خلق سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران! گزافی باد خاطره تمام شهیدای جنبش انقلابی سلحشانه که ایمان انقلابی و راستین خود پرچم خونین انقلاب برهائی بخش خلقهای ایران تحت رهبری طبقه کارگر را برافراشتند! پرچم سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، پرچم انقلابی طبقه کارگر و زحمتکش ایران است!

مستحکم بگردید، با پیوند جنبش دانشجویی با سازمانهای پیشاهنگ انقلابی مسلح خلق! سرنگون باد رژیم موارکو - فاشیستی شاه نیکر امپریالیسم جهانی!

سرنگون باد امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا! (****) - تحلیل یک سال مبارزه جنگ چریکی در شهر و گوه

(سازمان چریکهای فدایی خلق ایران) (****) - تحلیلی از شرایط جامعه ایران، مبارزه سلحشانه هم استراتژی هم تاکتیک.

(اتریش فدایی، مسعود احمد زاده) (****) - تحلیلی از تکلیف و تکامل گروه پیشناز (جیزنسی - ظرفی) اتریش فدایی، بیژن جزئی

(۱۹ بهمن تشویک شماره ۱) (****) - چگونه مبارزه سلحشانه توده ای میشود اتریش فدایی، بیژن جزئی

(۱۹ بهمن تشویک شماره ۲) بقیه اطلاعات از صفحه ۶

و نقشه های پلیس را برای جنبش دانشجویی توصیه نموده است. ما این اعلامیه را بضمیمه این اطلاعیه برای تحلیل و بررسی آن از طرف نیروهای مبارز انتشار داده و در نوبت دیگری راجع بطلاب مندرج در آن بطور مشروح بحث خواهیم کرد.

(این شبکه پلیسی، در تهران و شهرستانهای مختلف رشت نیز به اعزاز و شیزاد و ... فعالیت داشته است. سازمان مجاهدین خلق ایران

ما نقش با ارزش رفیق حمید اشرف را در جنبش نویسن انقلابی و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از دریچه ننگه نظر دیالکتیک ماتریالیستی - نست به نقش شخصیت ها در تاریخ - مورد بررسی قرار می دهیم . برای اساس عواملی که موجب بوجود آمدن رفیق حمید اشرف و صد ها انقلابی نظیر او شده و یا عبارت دیگر عللی که زمینه ساز تولد و رشد جنس قهرمانانی استند در وجود ذاتی اینان نهفته است ، بلکه نتیجه ضروری رشد دیالکتیکی این مبارزان در بطن یک جریان رشد یافته است که متناسب با نیازهای جامعه بوجود آمده و به پیش می رود . بنا بر این این حمید اشرفها نیستند که جریان مبارزاتی را بوجود آورده و رشد می دهند بلکه این سازمان و جریان انقلابی است که با حرکت صحیح در مسیر تاریخ این قهرمانان را بوجود می آورد . آری ، این قهرمانان نیستند که تاریخ را می سازند بلکه تاریخ است که قهرمان می سازد . اما این شخصیتها هنگامیکه با جریان و مسیر پیونده تاریخ حرکت کنند و اقداماتشان در جهت تکامل تاریخ و موافق با ضروریات رشد اقتصادی جامعه و احتیاجات طبقه پیشرو انجام پذیرد ، می تواند اشخاص برجسته ای شوند . برعکس این

نسخه ها با همه قدرت و تواناییشان در صورتی که در مسیری خلاف جریان تاریخ و ضروریات تاریخ اقدام کنند اعمالشان باطل مانده و خود " بوضع اشخاص مضحک ناگام و بی نوری دچار می گردند " (عبارات داخل پاراگراف آخری نقل قولهای است از " تاریخ مختصر حزب کمونیست (بلشویک) روسه) صدق این اصل اساسی در کشور ما قائل بوری است : از آنجائیکه تولد ، رشد و شکوفایی مبارزه مسلحانه در جامعه ما یک ضرورت تاریخی است ، لذا کوششهای مبارزان و قهرمانانی چون حمید اشرف که در مسیر این جریان درست حرکت کردند در لحظات تاریخی و حماسی توانستند نقش حیاتی در تحکیم ارگانهای خلق علیه عوامل ضد خلق بازی کنند . در غیر این صورت چگونه ممکن بود کوششهای رفیق حمید اشرف و تنی چند از همزمانان - که پس از ضربات سال ۵۰ باقی مانده بودند - قادر باشند گروه را از لحاظ کمی و کیفی به سطح والاتری از نظر قدرت سازمانی برسانند . آری رفیق حمید اشرف از زمره آن قهرمانانی است که بشراشرافه جامعه مدرستی می برده و هوکنوی تعمیر و اصلاح این بشرانقلابی را درک کرده بود و با حرکت در مسیر پر تزلزل و درخشان یوان انقلاب مسلحانه ایران توانست در حیات جامعه ما - بخصوص در این دوره تاریخی و مهم - نقش برجسته ای ایفا کند .

رفیق حمید اشرف به نقش تاریخساز طبقه کارگر ایران - در رهبری و پیروزی انقلاب رهائی بخش خلقهای ایران اقتصاد راسخ داشت و در رابطه با این اعتقاد همراه با سازمان برای پیوند هرچه بیشتر جنبش انقلابی ایران و سازمان چریکهای فدائی ایران با طبقه کارگر و تسریع در کشاندن آن مبارزه مسلحانه کوشش مستمکنی را شروع کرده بود .

سر انجام در درگیریهای نابستان گذشته رفیق کبیر حمید اشرف رهبر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران همراه سایر رفقای همسنگرش و چند ساعت با قاطعیت کمونیستی بانبرو های دشمن جنگیده و شهادت انقلابی نائل آمد .

شهادت رفیق حمید اشرف علیرغم اینکه غایب بزرگی برای جنبش مسلحانه و خلق ما است ، در عین حال بیان این واقعیت نوبن است که رزمندگان جریک ، در هر سطحی از مسئولیت سازمانی بویژه در رهبری سازمان پیوسته در سنگر مبارزه و در بین خلق باقی مانده و قاطعانه علیه رژیم خائنتکار شاه می جنگند و سنگر مبارزه را ترک نمی کنند . در کشور ما این امر واجبه ارزش بزرگی است زیرا بیان ترتیب خاطره بدی را که اپورتونیستیهای " بقایای رهبری حزب توده " در اذهان توده و طبقه کارگر بجا گذاشته اند و آنها را نسبت به همزمان سازمانهای پیشرو توده و طبقه بد بین کرده است می زنداید .

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در اعلامیه آن ۵۵ در رابطه با شهادت رفیق حمید اشرف و دیگر شهیدای سازمان چنین می نویسد :

" اسامی که سال شهادت های بزرگ برای سازمان ما می باشند " شهادت زیادی داشته ایم ، شهیدانی همچون " رفیق کبیر " " سازمان حمید اشرف " . اینان از پاک بازنترین و صادقترین " فرزندان خلق بوده اند . اینان در امان بر مهر خلق پرورش یافته و در راه رهائی خلق از زیر ستم سرمایه داران داخلی و " خارجی و شاه خائن ، جان خود را بی صوابا فدا کرده اند "

" شهادت سایر رفقا که قسمت عظیمی از بار سنگین جنبش پیروزنده " " مسلحانه خلق بر دو شتابان بود ضایعه بزرگی برای جنبش محسوب می شود . با این حال شهادت این رفقا برخلاف ادعای رژیم " نه تنها خللی در ایمان بادامه ما بوجود نیامد بلکه ما را " " در موضع خود که همانا مبارزه با دشمنان نادران مسلح خلق " است هوشیارتر و مستحکمتر ساخته است . "

در پایان اعلامیه می افزاید :

" ما ایمان داریم که خلق مبارز ما در آغوش گرم و پر مهر خود صد ها " " حمید اشرف " پرورش می دهد و خواهد داد تا سلسله خونین " " و داغ رفیق و سایر رفقا و رزمندگان شهید را بدست گیرند و " " همچنان در نبردی خونین با دشمن خلق برای آگاهی خلق " " و پیوستن آن مبارزه مسلحانه تا نابودی دشمن بختند . ساز " " ما چریکهای فدائی خلق ایران با گذر از مرحله اول مبارزه " " بقا و گسترش و حرکت پیشرونده خود را در سینه تاریخ مبارزه " " مسلحانه خلق ایران ثبت کرد . ما با ایمانی راسخ تر از پیش " " تا آخرین نفس در راه رهائی خلق از جنگال رژیم دیکتاتوری " " شاه و امپریالیستهای غارتگر سر مرکزگی امپریالیسم آمریکا " " مبارزه خود ادامه می دهیم . "

رفیق حمید اشرف سمل یک چریک فدائی یک مارکسیست لنینیست معتقد و یک کمونیست واقعی با اعتقاد راسخ به اشتراکیو نالیسم پرولتاری بود .

یکونیم از او بیا مویسیم ، از خونسردی ، از شکیبایی انقلابی ، جسارت ، سرعت عمل در برایتیک و بالاخره و والا تر از همه از قاطعیت انقلابی او .

جنبش انقلابی و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران می تواند بخود جلالت که توانسته است در پیرویه تکاملی و پیونده خود جنس فرزندان انقلابی پرورش دهد .

افتخار بر رفیق حمید اشرف چریک فدائی خلق .

زند و یاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بازوی مسلح و نماینده انقلابی کارگران و رنج کشان ایران .

پسر جم جم چریکهای فدائی خلق ایران ، پرچم وحدت مارکسیست لنینیستهای انقلابی جنبش مسلحانه ایران .

سرتوک باد رژیم فاشیستی شاه نوکر امپریالیسم جهانی - سرکردگی امپریالیسم آمریکا .

بقیه از صفحه ۱۰

بشکل گسترده ای نیروهای مزدور را بکار گرفت . بطوری که چندین حلقه محاصره در اطراف پایگاههای کشف شده بوجود آورد . این بسیج نیرو ، نشانه ناتوانی و وحشت رژیم از جنبش مسلحانه و نفوذ آن در بین توده ها و رزمندگی پیشگامان راستین خلق است . در مقابل رفتای ما با ایمان به راه رهائی خلقی و با فداکاری و از جان گذشتگی توانستند با مهمات محدود و نفرت کم به مقابله با نیروهای دشمن برخیزند . در این پیگیر های نابرابر ، تعدادی از رفقا با نبود خانه به خانه و خیابانی و از پای در آوردن عده ای از مزدوران دشمن ، خود را از حلقه محاصره خارج کردند و تعدادی نیز پس از جنگی دلورانه ، در صحنه " نبرد به شهادت انقلابی رسیدند .

انقلابی کبیر ، چریک فدائی خلق ، رفیق (حمید اشرف) رهبر سازمان ما نیز همراه رفتای مبارز همسنگرش چند ساعت ، با قاطعیت کمونیستی ، بانبروهای دشمن جنگیده و به شهادت انقلابی نائل آمد .

ما خاطره این رفتای شهید را گرامی می داریم و با عزیزی راسخ و اراده ای آهنین ، تا پیروزی نهائی خلق ، به راهمان ادامه خواهیم داد . خون سرخ رفتای شهید ، گواه پیمان ما با خلق است .

دانشجویان مبارز !

جنبش مسلحانه " خلق ایران ، هدف اولین مرحله استراتژیک خود را طرح و تثبیت مبارزه مسلحانه در سطح نیروهای بالفعل جامعه قرار داد . سازمان ما در تحقق بخشیدن باین هدف ، عده ترین نیروهای خود را در جهت ارتقا سطح آگاهی و به حرکت در آوردن روشنفکران و قشرهای آگاه خلق بکار گرفت و با فداکاری و ندادم بر کاره و توانست اولین مرحله مبارزه را پشت سر گذارده و در آستانه ورود بمرحله دوم ، یعنی توده ای شدن مبارزه قرار گیرد ، مرحله ای که برای جنبش مبارز آرتور از گذشته خواهد بود .

در این مدت که رفتای دانشجو همواره از دانشگاه به عنوان سنگری برای حمایت از خواستههای بحق توده تحت ستم و حمایت از جنبش مسلحانه و پیشگامان آن استفاده کرده اند ، همسنگر

خود را به جنبش انقلابی نشان داده و در این راه ، دلیرانه نه از اسارت و شکنجه بیعی بدل راه داده اند و نه در مقابل سلاح مزدوران شاه سرتسلیم فرود آورده اند .

ما این حمایت دانشجویان مبارز را با نظاره های در پاسخی بدعوت سازمان ما جنبی بر حمایت از کارگران اعتصابی کارخانجات چیت تهران (بافکار) چیت ری ، چیت ممتاز ، بسی . اف . گودریج و سیمان ری دیده ایم ، برپائی تظاهرات اعتراضی علیه رژیم شاه در حمایت از چهارده چریک فدائی خلق که در درگیری بیهای نابرابر خود بامزدوران رژیم شهید شدند نیز جلوه دیگری از این حمایت دانشجویان است .

رفقای دانشجو !

در مرحله جدید عده ترین هدف مبارزات ما ، شناساندن اهداف جنبش مسلحانه به خلق ، تماس یافتن و انجمن عملیاتی است که جنبشهای توده ای را برانگیخته و تسویه را بسیج کند ، تا با هدایت این جنبشها و حمایت و پشتیبانی مسلحانه از آنها ، همچنین با بکار گرفتن تمام نیروهای مبارز خلق در این جهت به هدف مرحله ای خود تحقق بخشیم ، بنابراین مبارزات شما نیز همگام با آن ، قدم در آستانه مرحله جدیدی از مراحل تکاملی خود می گذارید .

با کشاندن اعتصابات و تظاهرات خود به محلات تجمع خلق بخصوص جلوی کارخانه ها ، با توضیح اهداف جنبش به خلق و افشای ماهیت رژیم شاه ، به وظیفه انقلابی خود عمل کنید . (شما دانشجویان مبارز ! اعتصابات و تظاهرات خود را در همه دانشگاهها یکپارچه و هماهنگ کنید) با در آمیختن رود های خروشان اعتراضات ، سبلی عظیم بیا کنید ، مبارزاتشان هرچه هماهنگ تر شود ، پرتوان تر خواهد بود .

دانش آموزان ، نیروهای جوانتر و پشتوانه آینده ای جنبش اند ، آگاه کردن و بحرکت در آوردن این نیروهای مستعد ، بیشتر به عهده شما دانشجویان مبارز است . وظیفه شماست که دانش مبارزات خود را به دبیرستانها کشانده و با آگاهی دادن به محصلین ، آنها را همراه خود سازید .

شما با اقتضا کردن نوطه های رژیم برای سرکشی جنبشهای دانشجویی ، مانع از باجرا در آمدن طرحهای کثیف شاه دیکتاتور بانشید و ما با استفاده از امکانات خود ، در روشن کردن این نوطه ها شمارا یاری خواهیم داد .

ما در گذشته با تجزیه و تحلیل نوطه های رژیم و ارائه رهنمود های جنبی بر برپائی هرچه پر شکوه تر تظاهرات دانشجویی در ارگان دانشجویی ، خود کوشیدیم تا ماهیت این نوطه ها را برملا سازیم و در آینده نیز باین وظیفه عمل خواهیم کرد . شما با تلاش و پیگیری خود این وظایف را دنبال خواهید کرد و در این راه سلاحهای ما حاسی بی دریغ مبارزات شما خواهد بود .

بالاراه ای آهنین و ایمانی تزلزل ناپذیر ، با عشق عظیم خلق ، با کینه ای بی پایان بد دشمنان خلق و پیوندی مستحکم با مبارزات دانشجویی ، پشتیبانی خود را از مبارزات پر شجور دانشجویی اعلام می داریم .

" پایدار باد پیوند ناگسستی جنبش مسلحانه با جنبش دانشجویی " مستحکم تر باد پیوند دانشجویان انقلابی با کارگران " سرگرد شاه دیکتاتور و انده ارم امپریالیسم " درود به شهیدای راه رهائی خلقی

با ایمان به پیروزی راهمان " سازمان چریکهای فدائی خلق ایران " آذرماه ۱۳۵۵ خوشبختی

بقیه اعلامیه از صفحه ۱۰

جمع آوری نموده و در اختیار ساواک می گذارد تا با تشکیل پرونده برای آنان و تحت نظر گرفتن فعالیت آنان خبراتی بعنوان نیر- وهای انقلابی و مبارز خلق ساوارد آوردند . از این جهت لازم است دانیم بهمه کماتییک پنحوی از آنها با این جریان در تماس بوده اند هشدار در همین تا اقدامات لایحه را در حفظ خود و حر است از جنبش انقلابی بعمل آورند .

همچنین اکنون با توجه باینکه پلس بانحا" مختلف برای نابودی و انهدام عناصر مبارز دشمنای گسترده و پیچیده ای می چینه تذکر این نگه را لازم می دانیم که بکلیه عناصر مبارز هشدار در همین مراقب باشند بجای عضویت در گروهها و سازمانهای انقلابی و شرف بدام شبکه پامسی گرفتار نیایند .

(۴) این جریان پامسی اخیرا" اعلامیه ای تحت عنوان " پیروزیان جنبش دانشجویی ایران " منتشر نموده و طی مطالبی نقطه نظرات

هرمونی پیشاهنگ طقه کارگر بر کل جنبش بسیار موثر خواهد بود رژیم فاشیستی شاه که تمام نیرو برای اتمام این سازمانهای پیشاهنگ میگردد، در عمل از تحمیل خواستهای ضد خلقی خود عاجز مانده است. وحشی ناچار است که در جواب افکار عمومی خلق و برخلاف نام این سازمانهای پیشاهنگ را ببرد. رژیم پادشاهی و تزویر خود میبندد که خلق با هوشتیاری خود و در عمل، انقلابیون راستین را شناخته و نیروهای رژیم بسا دادن عنوان "خرابکار" و "تروریست" باین پیشاهنگان خلق خرسوایی بیشتر او برایش حاصل ندارد.

علیرغم ضربه هائی که رژیم برای پیشاهنگهای انقلابی خلق وارد ساخته است لکن خصلت رشد یابندگی این سازمانها که تعیین کننده بقای آنان میباشد، سریعاً تمام ضربه ها را ترمیم میکند. رشد یابندگی سازمان که خود نتیجه حقایق سیاسی و سازمان دهی و شیوه مبارزه آنان میباشد، منبوه خود موجب میگردد که نیروهای زیادی از عناصر صادق، با ایمان و بصقنیت مبارزه ایمن سازمانها، بدانها روی بیاورند و در تقویت آنها بکوشند. بنابر اظهار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، کوشش هیاداران جنبش انقلابی مسلحانه برای پیوستن باین سازمان تا حد بیست، که میباید گردیده است برای سازماندهی و تجدید تربیت افسران عناصر و ارتقای نظامی سازمان کاسته شود.

این چشم انداز درخشان حاکی از آنست که این سازمانهای انقلابی از جبهه پشتیبان در بین عناصر پیشرو خلق برخوردارند، که ریشه سازمان بین آنان بسته میگردد. باین پایه تودمهای باید هنوز شیوه پیشرفته تفکراتی پسند سازمان سیاسی - نظامی پیشاهنگ را که خود استحکام خاصی در مقابل با قدرت سرکوب رژیم دارد، اضافه نمود. فرم سازمانی پیشاهنگ انقلابی و منطبق با اوضاع فاشیستی جامعه از جنات کیفیتی برخوردار است که رژیم به هیچوجه قادر نیست و ضمن ضربات ناگهانی خود بر قلب سازمان و از آنجا بر تمام سازمان ضربه انهدامی وارد سازد. در باره نحوه سازماندهی و استحکام و تثبیت آن سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ضمن پیام خود بگردد هجد هم کفدراسیون جهانی می نویسد:

" رژیم تنها بارها به ناتوانی خود در نابود کردن جنبش مسلحانه اعتراف نموده، بلکه به عجز خویش در جلوگیری از رشد و بالندگی آن اذعان دارد. نمونه تبلیغات زهر آگین رژیم بسو علیه انقلابیون نشان دهنده این موضوع است. اگر رژیم در پیرو بسا وارد آوردن ضرباتی به سازمانهای مسلح ادعای پیج نابودی سازمانها را می کرد، امروز حتی جواب این گفته را نیز ندارد چرا که پاسخ قاطع چریکها با شلیک گلوله هایشان بسینه مزدوران و انفجار بناهای جور و ستم بارها رژیم را رسوا نموده و در روزهایی پیشرفته این واقعه ساخته است. باری برنامه های تبلیغاتی رژیم که ارتباط با مرحله جنبش داشته و متناسب با آن تغییر می کند. امروز محور اصلی اش بحلت ناتوانی، نه نابود کردن سازمانها، چریکی، بلکه بر ادعای از بین بردن سست فرماندهی ویا رهبری این سازمانها قرار دارد." (از پیام س - ج - ف - خ - ا - بگردد ۱۸ کفدراسیون) و در رابطه با استحکام سازمانی در همانجا می نویسد:

" مبارزه مسلحانه در شرایط طبیعی خود یعنی در زیر فشار بی سابقه دیکتاتوری رژیم همچنان بحیات خود ادامه می دهد و همچون ارگانیزمی که با محیط نیست خود انطباق حاصل می کند، بتدریج اشکال مؤثرتری را برای زندگی و انقلابی خویش می یابد. امروز سازمانهای مسلح در برانگیختن انقلابی خود دارند به چنان سازماندهی دست می یابند که نقشه های رژیم را در مورد خود نقش بر آب سازند. این شیوه سازماندهی بعنوان مثال در سازمان ما تقسیم سازمان به بخشهای مستقل با دسته های تبلیغ مسلحانه که در برگیرنده شاخه های مختلف با امکانات و وظایف خاص خویش می باشند و بنظر خود انکائی خود - کفائی بخشهاست. هر بخش در عرض برخورداری از همه امکانات سازمانی ای که با آن بحیات مستقل می بخشد با بخشهای دیگر در ارتباط بوده، و همراه با آنها خط استراتژیک واحدی را

در نمای می نماید و بنا امکان می دهد که تا حد زیادی از انتقال سریع ضربه از بخشی به بخشی دیگر جلوگیری نماید و یا در صورت قطع ارتباط بخشی با سازمان، بخش مزبور بتواند مستقلاً تا ایجاد ارتباط مجدد بحیات خود ادامه دهد." ایمن واقعیتها، کیفیتهای سازماندهی، روحیه عالی مبارزین پیشاهنگ شئی انقلابی و صحیح کمونیستی گویای آنست که سازمانهای انقلابی مسلح، سازمانهای پیشاهنگ راستین خلق و طبقه کارگر بوده که با انکاء به تئوری انقلابی، در کوره آزمایش قاطع ترین مبارزه طبقاتی قادر گردیده اند چنان استحکامی در مقابل دشمن و اعتباری در میان خلق بیابند که شایسته و لازمه هر سازمان پیشاهنگ انقلابی می باشد. وسوسه و بگا و رشده بیگانه جوانانه سازمانهای پیشاهنگ انقلابی، که بر اباید تلوولی طبقه کارگر انکاء دارند، خود دال بر تثبیت سازمانی آنها می باشد. مبارزه قاطع و انقلابی این پیشاهنگان خلق و طبقه کارگر در برابر رژیم فاشیستی و حضور آنان در مبارزه طبقه کارگر و حمایت از مبارزات دیگر اقشار خلق علیه ارتجاع و امپریالیسم و پشتیبانی سیاسی نظامی از خواستهای خلق، موجب ایجاد هر ساعد پشتیبانی از سازمانها، نپا و در اقتار آگاه و انقلابی بصورت حمایت معنوی و مادی، قبول رهنمودها و آمادگی پیوستن بسازمانهای انقلابی گردیده است. حمایت سیاسی توده های کارگری و زحمتکشان شهری نشان دهنده پذیرش پیشاهنگی سازمانهای انقلابی از جانب خلق می باشد. رادیکالیته شدن سازمانهای انقلابی و رشده اندیشه مارکسیسم - لنینیسم انقلابی در بین عناصر صادق و انقلابی و تأثیر جنبشهای آزاد بیخس سه قاره بیروزه در منطقه تحت رهبری طبقه کارگر و برآمدن در مان - هیت فترال، سازشکار و دوگانه پرورازی ملی در این کشورها نیز بنوبه خود برای هرمونی سازمانهای انقلابی پرولتاری و شراشیط را مساعدتر می گرداند. محسوسه این عوامله شده و شده، در کیفیت سازمانهای مسلح انقلابی، آنان را به پیشاهنگان واقعی طبقه کارگر تبدیل کرده و زمینه را برای تأمین هرمونی جنبش توسط این سازمانها مساعد نموده است.

دوم - آیا مبارزه مسلحانه بنوده ها شناسانده شده و جو سیاسی در جامعه ایجاد شده است، امریکه مقدمه بسبب بنوده ها مبارزه می باشد؟! واقعیات شاهد آنست که جنبش انقلابی مسلحانه از نفوذ و احترام بی سابقه ای در بین توده های خلق برخوردار است. در آغاز مبارزه مسلحانه توده ها با اینکه از رژیم نفرد داشتند لکن بحلت تبلیغات زهر آگین رژیم هنوز قادر نبودند محتوای سیاسی جنبش انقلابی را که مدافع حقوق پایمال شده خود آنان بود درک کنند. لکن جنبش انقلابی مسلحانه در ادانه کار خود، متکسی به تشر آگاه جامعه، توانست بزودی هدفهای خود را بنوده ها نشان دهد. توده در مدت همین سالهای کم که از شروع مبارزه مسلحانه می گذرد تا حدی باید ه های عالی سیاسی پیشاهنگان انقلابی خود واقع گردیده است. خلق می بیند که این مبارزات انقلابی وقته باید بر انقلابیون و این ایمان سترکشان خلق و رهائی آن که توام با اندازهای زیاد می باشد، امر ساده ای نیست که از روی احساس بی منتقد ه ای طلمه شده باشد. خلق از یک طرف این همه فداکاریها را می بیند، و از طرف دیگر سجدت تضاد خود را با رژیم که روز بروز وخیمتر می گردد درک می کند و نیز درجه حیانت و زورگویی رژیم را که در هر زمینه ای علیه او توسعه می یابد عمیقتر لمس می کند. تمام این واقعیات عینی بنوده شعور اجتماعی می دهد و آنرا بیش از پیش بمبارزه جلب می کند. هنگامی این درک از شرایط عینی و فعالیتهای پیشاهنگ با نفوذ افکار انقلابی خود در توسعه توام گردد سبب پیونده بیشتر از پیش توده بسازمانهای پیشاهنگ خود می گردد. تفکر سازمانهای پیشاهنگ از طریق در توده نفوذ می کند. الف - از طریق اکیوسنهای نظامی که سازمانهای پیشاهنگ انقلابی علیه دشمنان خلق انجام می دهند. هدف این اکیوسنها یکی نشان دادن ضربه پذیری دشمن و دیگری انتقام گرفتن از عناصر بدکار می باشد. نتایج مستقیم این عملیات

از یک سو توده را بمبارزه جلب می کند و از سوی دیگر دشمنان خلق را فترال می کند. ب - نفوذ افکار سازمانهای پیشاهنگ مسلح خلق، از طریق تبلیغ و ترویج مستقیم نظرانشان با یکسختن اعلامیه ها در محیط کارگری، توزیع نشریات و آشکار جنسش بیروزه بخشی که برای کارگران و زحمتکشان تهیه شده است، تماس خصوصی سازمان بین آنگه مائوده، از طریق ارسال کادرها کسی از سازمان و عناصر کارگری جلب شده با همان توده و خلق، انعام می گردد. بیروزه نقش پراعمیت این تبلیغ و ترویج مستقیم سیاسی و وحی با اکیوسنهای نظامی در پشتیبانی خلق انعام می گردد، در آن موثر واقع می گردد. زیرا خلق خود را با سازمانهای راستین و قابل انکاء انقلابی مواجه می بیند.

تأثیرات این فعالیتهای سازمانهای پیشاهنگ در توده، مبارزات خود حدودی آنان را رشد می دهد و سطح سیاسی و درجه سازماندهی آنها ارتقا می دهد. در نتیجه این فعالیتهای سیاسی پیشاهنگان خلق، مبارزات آنان از حمایت معنوی توده برخوردار گردیده و گاه با حمایت مادی آنها نیز توام است.

حمایت مادی توسط سازمانهای پیشاهنگ از جمله در مواقعی دیده می شود که هنگام درگیری انقلابیون با دشمنان خلق، توده برای در شدن رفقا از صحنه درگیری با آنان پناه می دهند و مانع تعقیب مأمورین فرومایه رژیم علیه انقلابیون مسلح خلق می گردند. در تأثیر نفوذ سازمانهای پیشاهنگ خلق در توده میباید نمود های بسیار زیادی آورد اما ما مابین یک نمونه زیر انکاء می کنیم که سازمان چریکهای فدائی خلق توضیح می دهد که خود گویای مرحله جدید مبارزه، مرحله بسبب بنوده های باشد.

" سازمان چریکهای فدائی خلق پس از اخلاص از این حواسنه کارگران با کهدای حق طلمانه آنان را کوش سایر هموطنان رسانده (شود) با ناصله وارد اقدام عملی شد و در تاریخ ۱۶ ماه اردیبهشت اعلامیه ای برای اخلاص مردم از اعتصابات کارگران و همچنین دعوت عمومی از مردم برای حمایت از اعتصابات کارگران تهران منتشر ساخت. در حال انتشار این اعلامیه دانشجویان دانشگاهها بحمایت از کارگران اعتصاب کردند و حتی تظاهراتی در میدان اقدام در پشتیبانی از کارگران برپا داشتند و بایس ترتیب کهدای حق طلمانه کارگران را کوش مردم تهران رسانیدند (نمود خلق، نشریه محصور کارگران و زحمتکشان ایران شماره اول)

این واقعیات گویای آنست که از یکسو سازمانهای پیشاهنگ فدائی و مهادس مبارزات خود را در حدت طبقه کارگر و زحمتکشان و بحرکت در آوردن خلق بکار می اندازند و از سوی دیگر خلق پیش از پیش اوزن این پشتیبانی را درک می کند و پشتیبانی مادی و معنوی خود را نسبت باین سازمانها بیشتر می نماید. تمام این واقعیات بحسارت دیگر حاکی از آنست که شرایط برای صحیح بنوده ها برای مبارزه آماده شده است و جنبش انقلابی مسلحان درجهت بسبب بنوده توده ها عمل می کند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پایان مرحله اول استراتژیک مبارزه مسلحانه، مرحله تثبیت سازمانی و معمری پیشاهنگ و مبارزه مسلحانه و آغاز مرحله دوم استراتژیک جنبش انقلابی مسلحانه، مرحله بسبب بنوده ها مبارزه را بطی مواضع اعلام شده و بحلسق و نیروهای پیشرو آن بنوده داده است. در اعلامیه آور ماه، ۱۳۵۵ سازمان خطاب بدانشجویان می خوانیم:

" جنبش مسلحانه خلق ایران، هدف ازین مرحله استراتژیک خود را طرح و تثبیت مبارزه مسلحانه در سطح نیروهای بالفعل جامعه قرار داد. سازمان ما در تحقق بحسبب این هدف، عده نرین نیروهای خود را درجهت ارتقا مسلح آگاهی و سه بحرکت در آوردن روشنفکران و قشرهای آگاه خلق بکار گرفت و با فداکاری و تدادم در ارتقا و تثبیت اولین مرحله مبارزه را پشت سر گذارد و در آستانه ورود بمرحله دوم، یعنی توده ای شدن مبارزه قرار گردید. مرحله ای که برای جنبش باورتر از گذشته خواهد بود (س - ج - ب - ح - ا)

ما تا اینجا واقعیات جامعه را متکسر کردیم و نشان دادیم که سازمانهای انقلابی پیشاهنگ که از اعتبار بیروزه ای بین خلق

مرگ برامپریالیستها بسرگردگی امپریالیسم آمریکا

و طبقه کارگر برخوردارند و در جامعه ما وجود دارند و رژیم هرگز قدرت از بین بردن این سازمانهای پیشاهنگ و مسلح خلق و جنبش انقلابی مسلحانه را ندارد. این واقعیات نشان می دهد که سازمانهای پیشاهنگ خلق، شایستگی رهبری گش جنبش خلق را کسب کرده اند.

اثون ببینیم که آیا اپورتونیستها باین واقعیات انکار ناپذیر چگونه برخورد می نمایند.

اپورتونیستها که اصولا وجودشان در خارج از کشور است، بعلمت بریدگی از جامعه و مصالح انقلابی خلق از پذیرش حقایق خود داری می کنند. اینها نزدیک به یک ربع قرن است که با سازمان خود در خارج تبعیدی هستند، سازماندهیهایی که در آفتاب هد نشان انتقال بایران بود. لکن چون اساس بازگشت سازمانی خود را موکل بر مساعد شدن شرایط جامعه و قابل تحمل بودن نشان برای رژیم قرار دادند، لذا با عدم "مساعدت" طولانی شرایط جامعه هنوز با انکا بهمان سیاست "صبر و انتظار" خودشان را سرگرم نگه داشته اند و برای تغییر اوضاع و مساعدت شرایط داخل هیچگونه برنامه مشخص گروهی یا سازمانی ندارند. از این بن بست تاریخی هنگامی بیرون می آیند که اوضاع ایران تغییر بکند و سپس اینان برای بهره گیری از آنچه تغییر کرد به داخل کشور حلوین اجلال "واعده فرمود". اما اوضاع را کسی تغییر خواهد داد و برای ورود اینها مهیا خواهد کرد خلق و سازمانهای پیشاهنگ یا مرحمت جناحهای امپریالیستی و قدرتهای جهانی؟ برای یکده رشت و نفوذ و اعتبار کشور "سوسیالیستی شوروی" برای عده ای دیگر چین بوده ای و برای ترسکیست هاهم که بدنیان تنز "انقلابات سوسیالیستی در کشور های متروپول" برای آزادی کشورهای سه قاره با انتظار نتمسته اند و با این نژدهم جنبشهای انقلابی متروپول را بدون پشتیبانی و هم حقانیت انقلابات سه قاره را مخدوش میکنند و در عمل هم به جنبشهای کارگری متروپول و هم به جنبشهای آزادیبخش سه قاره خیانت میکنند. بالاخره برای عده ای هم رشد تضاد های بین امپریالیستها و تغییر جناحهای امپریالیستی، مثلا روی کار آمدن امپریالیستهای صنایع تولیدی و سبک.

جناح راست خرده بورژوازی پس از رستاخیز سیاهلک در قسمت ثردید. بخشی که برحدم شوروی "عین و انقلاب جهانی" کشورهای صنعتی غرب عقیده مند بود و هنوز هم هست، اما روزه مسلحانه خلق و تلاش مردم ایران را از همان آغاز ناچیز شمرد و جنبش مسلحانه را جنبشی انحرافی و تروریستی دانست. ولی بخش این جناح که بیشتر بورژوازی بود و نژاد یسیون جبهه ملی را بدنیان کرده، معیارهای جنبش برایش آمیدی بیار نمی آورد زیرا معیار او برای تغییر جامعه، تغییر اوضاع جهانی و رشد تضاد های بین امپریالیستها، نمونه سالهای ۳۹ تا ۴۲ بود تا از مرحمت این تضاد، شاید بتواند چند روزی براریکه صدارت بنشیند و باصطلاح "ایران را آزاد کند". این بخش اخیر برای جمع آوری نیرو، از جایگاه شامه اش تیز بود و رشد نیروهای بالفعل بسوی جنبش را می دید، و قصد سو استفاده ابتدا بطرف یک سازمان انقلابی داخل (سازمان مجاهدین خلق ایران) گرایش داشت و سپس بطرف سازمان پیشاهنگ دیگر (سازمان جریکهای فدائی خلق ایران)، و اکنون هم که بنظر او اوضاع جهانی دارد "مساعده شود" از این سازمان هم فاصله گرفت. اکنون خرده بورژوازی راست که برای تغییر اوضاع ایران امیدش را نه مبارزه خلق و سازمانهای پیشاهنگ آن، بلکه تماما "بچارچوب بقافیزیک و نیروهای بیرون از خلق ایران" بسته است، وی که کوشش جنبش انقلابی داخل را بی اعتبار سازد. البته ما اساسا توده های ساده ولی پیرو این رهبریهای اپورتونیستی را از رهبریشان جدا می کنیم، بویژه مشغول ما توده هایی است که با شتاب به دنبال رهبریهایی جبهه خیال خدمت به سازمانهای انقلابی حرکت می کنند. ما یقین داریم پروسه تجزیه اجتناب ناپذیر در این سازمانها هم چنان ادامه خواهد یافت تا تمامی توده های حامی آن راه واقعی خود را یافته و با روی آوردن بطرف جنبش انقلابی مسلحانه جایگاه واقعی خود را در پیروی و حمایت صادقانه از

سازمانهای مسلح خلق بیابند.

گروههای اپورتونیستی با انکا باین نظرات انحرافی که تغییرات درون جامعه نه از درون خلق و سازمانهای انقلابی آن، بلکه بدست "غیب" خارج از ایران دوخته شده است، و همگی عجلوانه در هر نوشته و یا هر تریبون علیه جنبش انقلابی موضع می گیرند تا کوی سبقت را از هم برابند. مقالاتیکه سازمانهای طوفان "انقلابی"، "کونیستها" و جریان انحرافی ترسکیستی، بقا یای رهبری حزب توده بارها و سالها علیه سازمانهای پیشاهنگ خلق نوشته اند، یکی و دوتا نیست و تازگی هم ندارد. اگر آنها مواضع ضد جنبشی خود را روز بروز علنی تر و کینه تری نمایند در مقابل "رهبریهایی جبهه ملی" با جنبشهای انقلابی و لات و استعاره از ترسیمیونهای عمومی، مواضع ضد جنبش انقلابی و سازمانهای پیشاهنگ آن میگردند. با مواضع "یک تیر، دو نشان" رویشان را بجاهدین می گیرند. همزمان با آن سازمان دیگر یعنی جریکهای فدائوسی جمله می کنند. "اخیرا طی جزوه ای که از طرف باصطلاح یک گروه "مارکسیستی" درون جبهه جا پ شده (معلوم نیست این گروه مارکسیست - لنینیست داخل جبهه ملی چه می کند؟! برنامه اش چیست؟ عملکردش کدام است؟ چرا در جبهه ملی حل شده است و چرا اینکه نظراتش عوض مارکسیستی همه اش جبهه ای است؟) نویسندگان مقاله بدون اینکه روشن کنند که چطور شد بیکباره همه مسائل جنبش و دشمنان آنرا فراموش کرده، بدون اینکه هیچگونه موضعی علیه مواضع خائنانانه حزب توده، یا اپورتونیستهای دیگر و جریان انحرافی ضد کارگری و ضد خلق ترسکیستی بگیرد، بیکاره یاد پلیکم و موضعگیری علیه مجاهدین خلق افتاد، اند، آنچه موضعگیری و مرز بندی بین خود و مجاهدین. در حرافیکه خوب می دانند بعلمت علیات نظامی سازمان مجاهدین علیه جاسوسان امریکائی و اعزام انقلابی ه نگر از آنها در ایران، و امپریالیسم امریکائی نسبت به سازمان مجاهدین خلق ایران حساسیت دارد!

این جزوه که "بیرامون مواضع آید کولوزیک سازمان مجاهدین خلق ایران" نام دارد، ما را بیاد جزوه "جریکهای فدائوسی خلق چه می گویند" نوشته بقایای کمیته مرکزی حزب توده که با موضع گیری مغرضانه و خائنانانه اش می خواست خود را در برابر رژیم فاشیستی شاه غسل تعمید دهد و نشان دهد که راه حزب توده چه راه بی خطری است می اندازد. حالا اینها چه می خواهند بدست آورند؟ که عجلوانه دارند کدی تاریخی "بقایای" رهبری حزب توده را بصورت تراوی تکرار می کنند؟

آری در یک عدد همگی اپورتونیستهای راست جمع شده اند تا از بورژوازی لیبرال ایران که گویا می باید صحنه برتقاءه یونان و اسپانیا را اینبار برایشان در ایران تکرار کند و باین تبعید بیهای خارج پناه دهد، استقبال کنند. برای اینها تقاضای ندارد که این "جایگاهشها" برای تثبیت منافع امپریالیسم است یا برای رهائی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ایران.

باین علل است که امروز جناح راست خرده بورژوازی و بخش تبعیدی آن در خارج از کشور چون بخش داخلی جناح راست خرده بورژوازی در ایران با بی همتی تمام بعد از سالهای ۴۲ تاکنون سکوت و تمکین اختیار کرده است. اینان بجای پشتیبانی از سازمانهای پیشاهنگ خلق، در مقابل آن سینه سپر کرده و با طرح باصطلاح شعارهای "چپ" ولی در واقع راست، جنبش انقلابی مسلحانه را نفی می کنند. اینها تثبیت مبارزه مسلحانه پیشاهنگی سازمانهای مسلح خلق، مرحله فعلی جنبش سوسیالیسم توده ها، ضرورت پذیرش رهبری سیاسی سازمانهای انقلابی مسلح خلق و بالاخره محوری بودن مبارزه مسلحانه را قبول ندارند استدلالهای این اپورتونیستها برای اثبات نظرات خود و نفی دستاورد های جنبش انقلابی مسلحانه آنقدر ذهنیکرایانه و دور از واقعیت است که کتر میتوان آنرا جدی گرفت. اساس این استدلالات تحریف نظرات سازمانهای پیشاهنگ، تحریف تئوریهایی تاریخی و وصله کردن این تحریفات بهم و بدست آوردن یک نتیجه ذهنی و با آن واقعیت را نفی کردن می باشد.

اپورتونیستهای بی عمل خارج، برای صحت ادعاهای خود

هیچگونه معیار مشخص پرتیکتی ارائه نمی دهند. میخواهسته صحت نظراتشان را خارج از مسلک مبارزاتی خلق، فقط در بر خورد های نظری تعیین کردند. حال آنکه تئوری و نظر، اگر علمی باشد و نه فقط ذهنی، حقایقیت خود را فقط در عمل اثبات می کند. ولی کجاست معیارهای علمی اپورتونیستها، کدامیک از این باصطلاح سازمانها و احزاب خارج از ایران توانسته اند کوچکترین ارتباطی با جامعه خود و حتی اطلاع صحیح از وقایع داخل آن داشته باشند. کدامیک قادر نشده اند حتی یک جز از تحولات خود را در جامعه پیاده کنند اپورتونیستهای خارج از کشور، معمول خرده بورژوازی و پشت زده، و زبون و عاجز از مقابله اساسی با دشمن و درکشان از جامعه نیز اساسا نادرست و تحلیلی است. بعنوان نمونه درگیری های سازمانهای پیشاهنگ را با نیروهای مزدور رژیم در نظر بگیریم. اپورتونیستها در هر مقابله شاخه هایی از سازمانهای مسلح یا رژیم، بدون آنکه اهمیت سیاسی و نقش آنرا در جامعه بشناسند، تنها بشمارش نابودی عناصر دشمن و یا شهید ای خلق می پردازند. اگر انقلابیون، در درگیری بدون دریافت هیچ ضربه و فقط دشمن را نابود کنند این عمل را مثبت و تأیید می کنند ولی اگر عده ای از رفقای فدائی و مجاهد و یا هر گروه انقلابی دیگر شهید شوند آنرا شکست انقلابیون ارزیابی می کنند و سر نوشت خوبی برای سازمان و جنبش پیش بینی نمیکنند. ارزیابی آنان صرفا مکانیکی است، آنچه در شرایطی که نیروهای مزدور دشمن هزاران بار از لحاظ کمی بر سازمانهای پیشاهنگ خلق برتری دارد. "اخیرا" بخشی از این اپورتونیستها شایع میگردند که "اگر از یک سازمان پیشاهنگ صد نفر شهید شوند ممکن است که سازمان از بین برود" این دیدگاه خرده بورژوازی مایوس از مبارزه خلق، از ماهیت منززل و مردود که ناشی از شرایط اجتماعی آنهاست سرچشمه می گیرد. آنها بطور خجول و خفت زده، اما زیرکانه ناقوس شادی مرتکب یک سازمان پیشاهنگ را اعلام می کنند. قصدشان از این کار فقط اینست که فقط چند روز دیگر هم بزندگی سیاسی غیر مفید خود ادامه دهند.

واقعیت این نیست که ضربات رژیم تعیین کننده میرندگی و بیسالیانگی سازمانهای مسلح پیشاهنگ خلق می باشند، زیرا در شرایطیک حکومت فاشیستی ضربه خوری امری طبیعی است که در تمام سطوح جنبش خلق، حتی بر کرده بی عملان نیز وارد می شود، بلکه رشد یابندگی این سازمانها تعیین کننده سر نوشت، زندگی یا مرگ آنان می باشد. رشد یابندگی یک سازمان نه در ضربه نخوردن آن بلکه در داشتن استراتژی و تاکتیک درست مبارزاتی، در ایمان و صداقت انقلابی، در داشتن تئوری انقلابی مارکسیسم - لنینیسم و بیسوسند با طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و بالاخره در اعتقاد بدک مادی تاریخ و قبول رسالت تاریخی توده های زحمتکش و طبقه کارگر در تغییر دیکتاتوری جامعه می باشد. اینها آن واقعیاتی هستند که اپورتونیستها و دیگر جریانات عقب مانده خرده بورژوازی نمیتوانند درک کنند. سازمان جریکهای فدائی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران در طول حیات ظفرنمون خود بارها ضربات زیادی از رژیم فاشیستی و نوکر امپریالیسم شاه خرده اند. سیاهلک را در نظر بگیریم که تمام پیشاهنگان دسته کوهستان شهید شدند. سال ۵۰ را در نظر بگیریم که سازمانهای جریکهای فدائی خلق ایران و مجاهدین خلق ایران چه ضربه های سنگینی خوردند که منجر بد سنگینها و شهادت رفقای زیادی از اعضا و کادرهای رهبری آنان گردید. تکرار این ضربه ها را ببینیم که در سالهای ۵۳ و ۵۴ رخداد و حال پایان کار را ببینیم. در کدام یک از این ضربه ها چه در جز و چه در کل، سازمانهای پیشاهنگ ازین رفتند؟ حال آنکه پس از هر ضربه پیشاهنگان انقلابی خلق نیرومندتر از پیش، با طاعتیت بیشتر و با عزمی راسخ تر از گذشته راه رهائی خلق، راه مبارزه مسلحانه را ادامه دادند.

آری اگر این ضربه بسادگی میتوان یک سازمان بی ریشه اپورتونیستی را از بین ببرد، و خرده بورژواهای اپورتونیست نیز همین محتوی را دارند. تا جاییکه بیش از ۲۰ سال است باتمام سازمان

بقیه در صفحه ۹

گسترده باد همسبگی سازمانهای مسلح خلق با طبقه کارگر و زحمتکشان ایران

نهائشان خارج از مرزهای ایران تمیدی شده اند. لکن این ضربه ها و صدها برابر قیصر از آن ها هرگز قادر نیست یکسال سازمان پیشاهنگ انقلابی را از بین ببرد. این ضربه ها بعنوان یک عامل خارجی وقتی موثر واقع می شوند که درون پدیده ضعیف باشد و آمادگی از بین رفتن نداشته باشد. مثل تشکیلات حزب توده و جبهه ملی، که اولی با گذشت دو سال از تعقیب جدی حکومت کودتا از بین رفت و دومی از همان روزهای اول کودتا، ولی این ضربه ها سازمان انقلابی طراز نوین، یعنی سازمان انقلابی مسلح پیشاهنگ چریکهای فدائی خلق را بوجود آورد و رشد داد. اگر پیش از وارد شدن این ضربه ها برتن بیمار سازمانهای خارج از کشور حتی مانع ورودشان بایران شده و در همان خسار محسوب و تبعیدشان کرده است، لکن این ضربه ها هیچگونه نتوانست یک اسیر انقلابی را در زندانها و شکنجه گاهها از جرات مبارزه نمودن و در برابر رنجیمان باید رای کردن باز دارد و حتی نتوانست یک نفر انقلابی را از ایران بیرون کند.

آری خرد و بیرونها مجبوند که بعلمت منافع تنگ نظرانه شان برآیندی خود هیچ چیز را نبینند. لکن انقلابیون وفادار طبقه کارگر در عظمت تسلیم ناپذیری و مصالح محدودیت ناپذیری خود، در اعماق خلق زیستی می کند و خلقها از بیست نرفتنی هستند. آیا اپورتونیستها هنوز نمی دانند که باین بهانه جوئیها تیراجوئیها از پیشاهنگان خلق، تودها را فریب می دهند و بر خلاف خواستشان نیروی آنها را بهدر می دهند و برضد جنبش انقلابی مسلحانه مصری میکنند، امریکه خود جنایت بزرگی است؟ بدون شک اپورتونیستها که با خواست شرقی تودی می صادق سازمانها در تضاد قرار دارند، بزودی در انتظار خلس رسوا خواهند شد و مورد بازخواست همین توده هائیکه امروز فریشتان می دهند قرار خواهند گرفت.

حال که به نیت این فرصت طلبان واقف گردیدیم و دانستیم که ایرادشان جنبش انقلابی نهاییه است برای هر میزان مبارزه، جسدی و توجیه عدم جرات عدم روحیه انقلابی، عدم ایمان بخلق و مصالح بیرون تارها بود و خواهان ادامه یک زندگی سیاسی بسی مسئولیتی می باشند. ما زمانیکه این محتوی ضد جنبشی آنان را در توجیهاتی زیر نام "فکر مستقل سیاسی" می بینیم، حقانیت اندیشه های انقلابی سازمانهای پیشاهنگ در جلوی چشممان می درخشند. این حقانیت معیار علمی، تجربی و عینی دارد. باید از این سازمانها الهام گرفت و درستی و نادرستی هر جریان را با مواضعش نسبت باین سازمانها ی پیشاهنگ سنجید و آیا جریانهای خارج از کشور نیز حاضرند با الهام از پیشاهنگان خلق، مسلح سیاسی و عقلی و تشکیلاتی خود را ارتقا دهند و بر اپورتونیسم زمزم تاریخی خود غلبه کنند و امکانات خود را صادقانه در اختیار سازمانهای انقلابی قرار دهند و از الهام آنان بطبقه کارگر و زحمتکشان ایران خدمت کنند و در امر انقلاب رهائی بخش موثر واقع گردند.

مبارزه مسلحانه در راه بسیج توده ها

جنبش مسلحانه با پشتسرگرداشتن مرحله تثبیت، اکنون آماده می شود که توده ها را بجارزه جلب کند و مبارزات اقتصادی آنان را به سطح سیاسی و بالاخره به سطح مبارزه انقلابی و مسلحانه پیشاهنگ ارتقا دهد. در این مرحله بسیج توده هاست که سازمانهای پیشاهنگ خلق ایران، به تشکل های کارگران و دیگر زحمتکشان ایران ناظر می شوند. بر همین اساس سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تبلیغ مسلحانه را محور سایر اشکال مبارزاتی خلق ما و اساس پشتیبانی خود از این مبارزات قرار داده است. توده ها در این مرحله بیش از پیش مبارزه علاقمندی می شوند و بتدریج از پیشرو انقلابی شناخت دقیق حاصل می نمایند. و شراد با آن عناصر پیشرو سازمانهای پیشرو انقلابی ایران جلب می شوند. در این مرحله توده ها در ارتقا حمایت معنوی خود از پیشرو حمایت مادی از آن می پردازند.

بسیج توده ها مبارزه اقتصادی - سیاسی در عمل بخش تفکیک ناپذیری مبارزه مسلحانه پیشتاز است. زیرا مبارزه مسلحانه اگر نتواند توده ها را بحرکت درآورد، در نهایت نیز خود منفرد

و بی اثر می گردد و در مقابل خطر انهدام قرار می گیرد در نتیجه: نخست - برای تحکیم امر تثبیت مبارزه مسلحانه، سپس برای رشد این مبارزه و توده ای کردن آن، امر بسیج توده مسلح ضرورت قاطع دارد. حال بینیم که بسیج توده ها چگونه تحقق می یابد.

برای بسیج توده ها مبارزه، پیشرو انقلابی طبقه کارگر می گویند خود را طبقه کارگر و انتشار خلقی نزدیکتر کند. از طریق تبلیغ مسلحانه از مبارزات آنان حمایت نماید و حول محور مبارزه مسلحانه مبارزات بخشهای مختلف خلق را سازمان دهد.

در این مرحله از مبارزه، پیشاهنگ مسلح خلق در هر کجا که مبارزه طبقه کارگر و سایر زحمتکشان جریان یابد حضور مییابد. بعنوان مثال در دفاع از مبارزات کارگران کارخانجات پارچه بافی تهران، بلافاصله جهت پشتیبانی از آن، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران حضور یافت و طی اعلامیه های خواستهای کارگران را متعین نمود. بنا بدخواست کارگران، مردم تهران را از جریان اعتصاب مطلع کرد و دانشجویان دانشگاهها را دعوت بحمايت از اعتصاب کارگران نمود. به همین جهت با الهام از اعلامیه ۱۶ اردیبهشت سال ۱۳۵۵ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، دانشجویان دانشگاه تهران اعتصاب کردند و نظاره های درمیدان اعدام به پشتیبانی از اعتصاب کارگران برقرار کردند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران دانشجویان را به نزدیکترین پیش از بیش با کارگران و تشکیلات سلولهای سیاسی دانشجویی - کارگری تبلیغ و تشویق مینماید. از دانشجویان میخواهند که مبارزات اعتراضی علیه رژیم و امپریالیستها در حلقه های کارگری و از راه مردم تشکیل دهند و در ضمن آن اهداف جنبش انقلابی مسلحانه، و سازمانهای پیشرو آنها بتوده خلق معرفی بنمایند. در بسیاری از موارد سازمانهای پیشاهنگ با عملیات مسلحانه علیه مقامات و مسئولان طبقه کارگر و زحمتکشان ایران را سرکوب کردند. با اقدام به پشتیبانی توده است. این حمایت، بهب گذاری در پاسگاه و زندانهای رودسر در پشتیبانی از اعتراض، دهقانان این ناحیه علیه قطع آب برای زمینهایشان، بعب کسنداری در ساختمان اداره گاز استان خراسان در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۵ می باشد که جهت پشتیبانی از کارگران منطقه خراسان در مقابل ظلم بی حد وزارت کار بود. و در این متوال سازمان مجاهدین خلق ایران در منطقه شمران تودر رابطه با پشتیبانی از مردم زحمتکش این محل، دو انفجار در پاسگاه پلیس نارمک و شهرداری نارمک، تکمستول کتار مردم بود، انجام داد.

اینها خود نمونه هایی از پشتیبانی سیاسی و نظامی پیشاهنگان خلق و طبقه کارگر از جنبش اقتصادی زحمتکشان و کارگران می باشد، که نظایر آن بارها و بارها توسط دو سازمان پیشاهنگ، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران پیوسته انجام میگردد.

جنبش انقلابی مسلحانه در مرحله دوم استراتژیک - مرحله بسیج توده ها - نیز هر دو شکل مبارزه، یعنی شکل سلامت آمیز و شکل تهر آمیز را بگری برد. در این مرحله نیز شکل تهر آمیز مبارزه مسلحانه محور سایر اشکال مبارزات خلقی قرار میگیرد. رفیق بیژن جزینی مسئله محوری بودن مبارزه را در این مرحله مورد تحلیل قرار داده می نویسد:

"نقش محوری مبارزه مسلحانه در جنبه های زیر نهفته است: الف - در حالیکه تاکتیکهای سیاسی میتوانند نیروها را به رزه برضد رژیم بکشاند، توداوم این مبارزه و بکار گرفتن آن در راه سرنگون ساختن دستگاه حاکمه از طریق تاکتیکهای نظامی بدست می آید. گسترش و تکامل مبارزه توده ها از مراحل اقتصادی و سیاسی بمرحله نظامی مستلزم ادامه و رشد مبارزه مسلحانه در ایران است. ب - مبارزه مسلحانه عامل برانگیزنده توده ها برضد رژیم است. گرچه این نیروها در مرحله معینی از مبارزه قادر بحرکت در مبارزه مسلحانه نمیستند ولی کشش آنها بمبارزه علیه دستگاه حاکمه

مستقیماً تحت تاثیر مبارزه مسلحانه قرار دارد. به این ترتیب مبارزه مسلحانه در مبارزه کشیدن توده ها نقش عمده دارد. ج - مبارزه مسلحانه در مقابل توده ها دستگاه حاکمه و خشکی کردن تاکتیکهای نیاز دارند و سرکوب کننده رژیم نقش اساسی دارد. چنانچه این مبارزه ادامه نیابد رژیم براضحتی کساندر بسرکوبی جنبش اقتصادی و سیاسی خواهد بود. رژیم از یکسو با اعمال قهر ضد انقلابی میتواند توده را سرکوب سازد و از سوی دیگر با تاکتیکهای ضد انگیزه ای توده نومید را فریب داد و چهره خود را پنهان سازد. در نتیجه رکود و خفتان برجانبشای اقتصادی و سیاسی حاکم میگردد.

مبارزه مسلحانه از یکسو قهر انقلابی را جهت خشکی کردن قهر ضد انقلابی بکار میگیرد، از سوی دیگر چهره واقعی دستگاه حاکمه را پیش توده ها و در سطح جهانی با کمترین شکل آشکار میسازد. این هر دو باعث میشود که توده پس از هر ضربه رژیم بیایخیزد و خفتان دلخواه رژیم بر جامعه مستولی نشود. از این حیث نیز مبارزه مسلحانه برای جنبش نقش اساسی و محسوری دارد." (****)

در اهمیت محوری بودن مبارزه مسلحانه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ضمن پیام خود بکنگره کنگدراسیون جهانی میگوید:

"مبارزه مسلحانه بعنوان عمده ترین و مناسبترین شکل مبارزه محور تمام اشکال مبارزاتی خلق ما است و تاکتیکهای غیر نظامی و اشکال دیگر مبارزه را تنها در رابطه با این شکل عمده و با درک نقش محوری آن موثر دانسته و بکار میبندیم. منطقی بر شناخت و تحلیل ما از جامعه هیچ سازمان سیاسی و هیچ تشکیلات سیاسی نمیتواند بدون اینکه مبارزه مسلحانه را محور فعالیت خود قرار دهد، در جهت توده های شدن سیر نماید." (پیام چریکهای فدائی خلق، ه.د.ک.ج.)

در این مرحله که بسیج توده ها در پیش است سازمانهای پیشاهنگ طبقه کارگر و خلق در دخالت خود در مسائل سیاسی جاری در جامعه می نمایند، توسط عملیات ترویجی و تبلیغی نظرات افکارانه و روشنگرانه خود را نسبت بامر مختلف برای مردم تودر صیغ می دهند. با درک مسائل مشخص طبقه کارگر و سایر اقاتار خلقی، پیشنهادهای مشخص و شعارهای مورد نظر توده ها را برای مبارزه آنان تنظیم میکنند و جهت بحرکت درآوردن آنان بر محور این شعارها فعالیت عمل میکنند.

در این مرحله سازمانهای مسلح پیشاهنگ تاکتیکهای نظامی را وارد زندگی اقتصادی و سیاسی توده میکنند. در عمل سازمان پیشاهنگ انقلابی در جریان اعتصابهای کارگران و زحمتکشان طی اعلامیه ها موضع پشتیبانی خود را از قبل اعلام میکند و به کارفرمایان در انجام خواستهای توده زحمتکش هشدار میدهد و آماده است که هرآنکه تباخی کارفرمایان برضد توده کفیندن اعتصاب بین شکستن اعتصاب وزیر با گذاردن خواستهای کارگران گردد، دست بعملیات انتظامی نظامی بزند. با تبلیغاتیکه بطور دایمی در بین کارگران برای نشان دادن ماهیت رژیم و کنگسی رژیم و کارفرمایان میکند ضرورت رشد اتحاد و تشکل و مبارزه کارگران را برای جلوگیری از سرکوب در خواستهایشان توضیح میدهد و توضیح اینکه مبارزه علیه کارفرمایان باید توام با مبارزه علیه رژیم و بالاخره جهت سرنگونی آن باشد. توضیح اینکه تنها قهر انقلابی قادر است طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان را در تحقق خواسته هایشان پیروز گرداند و باین تبلیغات سیاسی زمینه ای را آماده میسازد که عملیات نظامی پیشاهنگ در هنگام سرکوب توده بحرکت خواست توده درآید و اعمالش علیه دشمنان خلق مانع تاثیر منفی عامل سرکوب در روحیه کارگران کشته آنان را با ادامه مبارزه تشویق نماید. با انجام خواست انتظامی طبقه کارگر و زحمتکشان از دشمنان آنها، توسط عملیات نظامی، در توده های مبارز خلق اهمیت سازماندهی، قهر انقلابی و مبارزه سیاسی - کار را از ریشه در دست کردن - سرنگونی رژیم و بالاخره پیوستن به پیشرو انقلابی خود درک میشود و باین بقیه در صفحه ۵

مبارزه مسلحانه محور تمام اشکال مبارزاتی خلق ما

رفیق حمید اشرف یک چریک فدایی خلق و کمونیست کبیر انقلابی

اطلاعیه



نشریه جریونی شماره ۱۱ - بهمن ماه - ۱۳۵۵

طبق اطلاعات موثقی که از طرف نیروهای انقلابی و مبارز بدست ما رسیده است و همچنین برخی شواهد و علائم دیگر سیروس نهایندی که در سال ۱۳۵۲ چغو مشککی از زندان فرار کرده است یکی از عناصر فعال ساواک می باشد. این جاسوس خود فروش و پسا پلیس "انقلابی" "پس از" فرار از زندان بدستکاری سایر همکاران پلیس اش با سؤ استفاده از شو مبارزاتی فرزندان خلق و نام و اعتبار "سازمان رهائی بخش خلقهای ایران" که در سال ۱۳۵۰ بوسیله پلیس کشف و اکثر قریب بانفاق عناصر رزنده آن هنوز سر زندان هستند، دست با چپا و گسترش یک شبکه گسترده پلیسی بنام "سازمان آزادی بخش خلقهای ایران" زده است. ما این اطلاعات را با توجه به ضرورت فوری آگاهانیدن عناصر و نیروهای مبارز داخل و خارج از کشور نسبت باین توطئه پلیسی که با آبرو خیانتهای تشکیلات تهران حزب نوده و مرد هزار چهره شهرت یافته می باشد. با اختصار با اطلاع عموم نیروهای مبارز خلق می رسانیم و توضیح کاملتر و دقیقتر حول چگونگی فعالیت این جریان را با در نظر گرفتن احتمال دریافت اخبار و اطلاعات مضلتر و روشنتری در آینده به بعد موزکلی می کنیم.

ملاحظیات و اطلاعاتی که برای هشدار نیروهای انقلابی و مبارزان و کلیه هواداران و همپانتهای جنبش انقلابی در درجه اول اهمیت قرار دارد عبارتند از:

- ۱) درگیری یک گروه ۲۰ نفری "با پلیس که در تاریخ ۳۰ / ۱ / ۱۳۵۵ اتفاق افتاد مربوط باین جریان می باشد. در این زد و خورد کتبر شبها در تن از انقلابیون و رفقای شهید پرویز واعظ زاده، رحیم تشکری، ماهرن خیال، مهنا رشید، جلال دهقان، حسن زکی زاده، مسعود صابری و محمد علی پاریان و دستگیری ۱۱ تن دیگر گردید. مشخصاً سیروس نهایندی دست داشته و احتمالاً نفر بیستم که در اطلاعیه پلیس سرزنشش نامعلوم است همین خائن است.

برطبق اطلاعاتی که بدست ما رسیده رفقای شهید و مبارزین اسیر صلح ننوده و رژیم آنها را در زیر شکنجه و یا یک درگیری ساده خنکی و برنامه ریزی شده انیش، برگار سلسل بسته است. این اطلاعات حکایت از این دارد که هیت پلیسی سیروس نهایندی در روزهای قبل از درگیری برای اعضای صادق گروه آشکار شده بوده است.

۲) این جریان پلیسی از طریق عناصر مبارزیکه حول خود گرد آورده است با سازمانها و گروههای انقلابی در تماس بوده و از این راه اقدام بدستگیری، تشر و یا تعقیب و مراقب اعضا و عناصر این سازمانها و گروهها ننوده است. همچنین با خنخال زیاد برخی از ضریات اخیر وارد جنبش از طریق این جریان پلیسی صورت گرفته است.

۳) این جریان توسط همان عناصر صادق و مبارزیکه در حول و حوش خود گردآوری کرده است، اساسی و مشخصات اغلب سبباً نیزانتهای جنبش و بیشتر کسانی را که در محاط دانشجویی و غیر دانشجویی آمادگی عضویت در سازمانهای انقلابی راداشته اندسه

فعالیتهای مقداتی این سه تن ۲۲ نفر از معتقدان راه قهر آمیز در یک گروه مخفی سازمان یافتند و شروع بعملیات تدارکاتی نمودند.

در مقاله تحلیلی از تکوین و تکامل گروه جزئی - ظرفی منتشره در ۱۹ بهمن تشویک شماره ۴ در باره نقش حمید اشرف در سازماندهی گروه چنین می نویسد:

"در تابستان ۴۸ رفیق صفائی با بران بازگشت و مدتی در سا - زماندهی گروه همکاری کرد. بازگشت صفائی در بهبود وضع گروه موثر بود و بحرکت آن سرعت بخشید. رفیق صفائی دوباره به فلسطین بازگشت و در اوائل سال ۴۹ همراه رفیق صفائی به ایران آمد. از این پس رفقا صفائی و صفائی در گروه نقش درجه یک داشتند و همراه رفقا حمید اشرف، اسکندر صادقی نژاد هادی فاضلی، اسمعیل معین عراقی و غفور حسن پور گروهر را اداره می کردند. در این موقع هشته مرکزی وظایف گروه را تعیین کرده و هسته ها و تیمهایی برای هر وظیفه مهم تشکیل داده بودند. تقسیم مسئولیتها و وظایف آنها شرح زیر بود: ... حمید اشرف مسئول ارتباطات."

رفیق حمید اشرف آخرین بار رفیق صفائی فراهانی را در ۱۶ بهمن ۴۹ (سه روز قبل از حمله به پاسگاه سیاهاکل) در جنگل های جنوبی سیاهاکل ملاقات می کند و او را از کم و کیف سیروس پلیس که چندی قبل صورت گرفته و تعداد زیادی از رفقا دستگیر شده بودند، آگاه می کند. در این ملاقات دو رفیق بررسی های نهائی را در طرح حمله به پاسگاه سیاهاکل و آغاز جنبش سلحانه ایران بعمل می آورند.

پس از رستاخیز سیاهاکل و اقدام فرسوی خائن، کوششهای سازماندهی رفیق حمید اشرف که مدلول ارتباطات گروه بود و از مدتها پیش با گروه رفیق احمد زاده، مشغول مذاکره بود و نتیجه قطعی خود نزدیک شد و با اقدام دو گروه در اوایل فروردین ۵۰ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بوجود آمد.

نقش با ارزش رفیق اشرف در زمینه سازماندهی از اشد اهمیت تشکیل سازمان تا کنون و بخصوص پس از ضریات سالهای ۵۰ - ۵۱ که سازمان از نظر کمی بسیار تحلیل رفته بود درخور یادآوری است. او با کارایی بی نظیری توانست بخشهای ضربه دیده سازمان را ترمیم کرده و آنرا توسعه دهد.

در طی شش سال مبارزه سلحانه رفیق حمید اشرف بعنوان یکی از کادرهای سازمان مرکزی چریکهای فدائی خلق ایران تعداد زیادی عملیات مهم سلحانه را با موفقیت رهبری کرد و توانست در چندین درگیری با مزدوران رژیم با چابکی و سرعت عمل ابتکار عملیات را بدست گرفته و بر دشمن مسلط شود و بسا قاطعیت انقلابی پس از نابود کردن چند مزدور دشمن بملا مت بیابگاه خود بازگشته و بجارزه خویش علیه رژیم خائن شاه بسا شدت و کینه بیشتری ادامه دهد.

خصوصیات بارز او خوسردی، قاطعیت و شکیبایی انقلابی بود. هنگام برخورد بانظرات و پیشنهادات و انتقادات رفقا ابتدا با دقت و شکیبایی تمام آنها را می شنید و سپس یکی یکی با آنها برخورد می کرد.

تیمت دهها چریک فدائی خلق و اثراتی که رفیق حمید اشرف در تمام ارگانهای سازمان بجا گذاشته است تماماً واقفیتهاست هستند که وجود و تدایم تاثیر رفیق را در پروسه رشد سازمان آشکار ساخته و ترجمان ادامه زندگی دیالکتیکی رفیق در جنبش انقلابی سلحانه است.

رفیق کبیر حمید اشرف از سیاد گزاران و رهبران برجسته سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بود. رفیق یک استراتژیست کبیر جنگ چریکی، سازماندهنده پرقدرت، تشویسین خلقی مارکسیسم - لنینیسم و پراتیسین بی نظیر سیروس سلحانه بود. بی شک خدماتی که رفیق اشرف هم در عرصه تشوی و هم در زمینه پراتیک به جنبش انقلابی سلحانه کرده است در آنگنان سطحی است که کمتر مبارزی فرصت آنرا یافته است در ایران عرضه کند.

۱۰ سال نبرد خونین در بحرانی ترین و بر تلاطم ترین شرایط کشور ما، رفیق اشرف را به یولادی آبدیده مدل کرده بود. بیوقیعت او در جنبش سلحانه چنان بود که دشمن خلق - رژیم شاه خائن و اربابان امپریالیستش - از آوردن نامش بخود می - لرزیدند و در مقابل، قلب خلق از عشق با موسی شید، حماسه هایی که مردم بر اساس شناخت او از در مقابل دشمن ساخته - اند گواه این عشق و محبت خلق بر زمینگان انقلابی و بخصوص می است.

رفیق حمید اشرف نه تنها یکی از درخشانترین چهره های انقلابی خلق ما، بلکه در شمار برحسته ترین رزندگان انقلابی جهان می باشد.

بررسی زندگی رفیق حمید اشرف و نقش با اهمیت او در تکوین و تکامل سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و رشد بی نظیر او که در رابطه مستقیم با پروسه رشد سازمان می باشد، در این مختصر نمی گنجد و در موقع خود بدین شرح آن پر داخته خواهد شد. آنچه در این جا آمده است نگاهی گذرا بر این زندگی است.

رفیق حمید در سال ۱۳۲۵ متولد گردید. از دوره دبیرستان به فعالیتهای سیاسی چپ جلب شد. سال ۴۵ در دانشکده فنی دانشگاه تهران در رشته مکانیک به تحصیل مشغول شد. رفیق اشرف قهرمان کوهنوردی و تیمسانیک بود. در طول تحصیل در دانشکده از فعالین برجسته سازمان دانشجویی بود. در سال ۴۹ دانشکده را رانجام گذاشت و بعنوان یک کادر حرفه ای جهت تدارک مبارزه سلحانه در ایران بزنگی انقلابی خود ادامه داد و تمام وقت خود را در خدمت این راه گذاشت.

رفیق حمید از دوران دبیرستان با گروه جزئی - ظرفی در تماس بود و در حوالی سالهای ۴۵ - ۴۶ بگروه می پیوندد. پس از ضربه سال ۴۶ بگروه رفیق همراه دو تن دیگر از بازماندگان گروه که در ایران مانده بودند به سازماندهی گروه پرداخت و این گروه بعد ها به گروه جنگ معروف شد. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در جزوه یکسال مبارزه چریکی در شهر و کوه در این باره چنین می نویسد:

"گروه جنگ بر مبنای فعالیت سه تن از کادرهای سابق تشکیل شد (این سه تن بازماندگان گروهی بودند که در سال ۴۵ با هدف ایجاد جنبش قهرآمیز در ایران تشکیل شد (گروه جزئی ظرفی) و در زمستان ۴۶ این گروه ضربه شدیدی خورد و رهبران اصلیش دستگیر شدند. عده ای از کادرها، فرصت طلبانه از جنبش کناره گیری کردند، و تنها دو تن از واداران توانستند از کشور خارج شوند و به جنبش ضد امپریالیستی - ضد صهیونیستی فلسطین به پیوندند. هدف این دو تن آن بود که پس از کسب تجارب نظامی به میهن بازگردند. آنها سه نفر نامبرده (رفقا حمید اشرف، اسکندر صادقی نژاد و هادی فاضلی - ۱۹ بهمن) که فعالیتهایشان برای پلیس فاش نشده بود در ایران باقی ماندند تا گروه جدیدی را متکی - حارب گروه تک عود، ساواک دهند. اساساً

نقشه در صفحه ۶

برافراشته باد پرچم ظفر نمون رستاخیز سیاهاکل